

راه توده

شهره‌ها و لاریان حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۳ تیر ۱۳۲۲ مطابق ۹
رمضان ۲۰۰۲ و ۱۴ آذر ۱۹۸۲
سال اول، شماره ۴۷
به شماره ۴۰۰ ارسال

حزب توده ایران به انترناسیونالیسم پرولتری پشت نخواهد کرد

نیروهای راستگرای طرفدار کلان سرمایه‌داری و بزرگ زمین داری که مواضع کلیدی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را تسخیر کرده‌اند، در سروصدای تبلیغاتی که علیه حزب توده ایران برآوردند، بهانه غیر قانونی کردن حزب را "وابستگی به مسکو" و "جاسوسی" اعلام کرده‌اند. و اینکه گویا حزب توده ایران بجای دفاع از منافع ملی ایران سیاستش در جهت توجیه "سیاستهای جهانی و داخلی مسکو" تنظیم شده است. افرادی نیز برای پوشاندن وابستگی خود به سازمانهای جاسوسی امپریالیستی، در مبارزه و تبلیغات ضد توده‌ای و ضد شهری با هم مسابقه گذاشته و ادعا میکنند که حزب توده ایران توسط "انگلیس پایه گذاری شده و توسط اتحاد شهری تغذیه شده است" (جلال‌الدین فاطمی - سخنان پیش از خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ اردیبهشت ۶۲).

اما روند تخریب و تحولات سیاسی که خصوصاً در یکسال اخیر در ایران و در درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران رخ داده است علل اصلی و سرچشمه تبلیغات فزاینده ضد توده‌ای و ضد شهری را به نحو واضحی عیان میسازد. هجوم راستگرایان رنگارنگ که از نوع لیبرالی آن و چه از نوع قشری برای کسب مواضع برتری در حاکمیت جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲

تهدید و ارباب ابزار حاکمیت خلق نیست!

اکنون چند روز از پایان زمان اولتیماتوم دادستان کل انقلاب که در آن از اعضای و هواداران حزب توده ایران خواسته شده بود خود را به دادگاههای انقلاب معرفی کنند، سپری شده است. دادستان کل انقلاب در تأیید این تهدید غیرقانونی خود که از جمله با اصول ۲۶ و ۲۳ قانون اساسی در تضاد کامل است، در اطلاعیه‌ای فرمان دستگیری همه‌آنها را صادر کرد که از این "فرصت" استفاده نکردند و نام خود را در لیست سیاه مکار تیسیم "اسلامی" جمهوری به ثبت نرساندند.

به این ترتیب قانون شکنی، تهدید و سرکوب و شکنجه و ترور از یکسو و تهیه لیست از بازداشت شدگان "آزاد" و ایجاد بازداشتگاههای مرگ برای آنها، همانند جزایر غیر قابل سکونتی که کودتاچیان اندونزی برای هواداران حزب کمونیست اندونزی در نظر گرفته بودند، به شیوه حکومتی در جمهوری اسلامی ایران بدل شده است. دیگر نه از نص صریح قانون اساسی خبری است و نه از روح مردمی آن. هم فصل سوم قانون اساسی در مورد "حقوق ملت" فراموش شده است و هم فصل چهارم آن در مورد "نظام اقتصادی" مردمی و هم فصل هفتم که در آن "شوراها" به عنوان ابزار حاکمیت خلق تثبیت شده است.

تهیه لیست مکار تیسیم "اسلامی" میخی است بر در تابوت روح مردمی قانون اساسی جمهوری نوپای ایران. راستگرایان و تسلیم طلبان چنان وانمود می‌کنند که سرکوب دگراندیشان مدافع انقلاب بقیه در صفحه ۴

امپریالیسم خبری در خدمت راستگرایان

راستگرایان حاکم بر مواضع کلیدی در جمهوری اسلامی ایران، تدارک می‌بینند. باید با افشای هر چه بیشتر این جو سازی جنایتکارانه امپریالیسم خبری، جادو بهترین فرزندان طبقه کارگر و مدافعان انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را نجات داد.

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که از برگزاری دادگاه علنی با شرکت ناظرین بین‌المللی و ورود کمیسیون بی‌طرف بین‌المللی مرکب از پزشکان و حقوقدانان جهت دیدار زندانیان وحشت دارد، می‌کوشد با انتشار اینگونه "اخبار" تأیید نشده، زمینه را برای آغشته ساختن پرچم انقلاب، به خون مدافعان آن، فراهم نماید.

امپریالیسم خبری با پخش "اخبار تأیید شده" خود و "بمنظور ایجاد جو" آزمایش کردن واکنش افکار عمومی آزاد پیروان جهان، به کمک حاکمیت جمهوری اسلامی ایران شتافته است.

روزنامه‌ها، رادیوها و خبرگزاریهای کشورهای سرمایه‌داری در روز ۳۱ خرداد ۶۲، به یکباره در تمام کشورها، خبر اعدام زینب نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را پخش کردند.

این شیوه عمل که بیان کننده یک استراتژی واحد امپریالیستی است، نشان می‌دهد که این خبرگزاریها و اربابان آنها، زمینه تبلیغاتی این جنایت بربرمشرانه را به دست ضد انقلاب و

گسترش همبستگی بین‌المللی برای نجات جان زندانیان توده‌ای

فریادهای اعتراض خود را هرچه بلندتر کرده و به اقدامات سریع، جهت نجات جان مبارزینی که هنوز زیر شکنجه‌های وحشیانه کارگزاران جمهوری اسلامی دست و پا می‌زنند، دست بزنند.

در نقاط مختلف جهان، کمیته‌های همبستگی با زندانیان توده‌ای تشکیل شده و کنفرانس‌های مطبوعاتی بین‌المللی جنایات این رو "سیا" هان ابدی تاریخ را فاش میسازد.

سازمانهای مترقی، محافل بین‌المللی و افکار عمومی جهان بد رستی می‌پرسند: چرا حاکمین جمهوری اسلامی، کسانی که دائما دم از مذهب بقیه در صفحه ۳

افکار عمومی مترقی بین‌المللی، همچنان نگران سرنوشت زندانیان توده‌ای است و خبرهایی که در این بین از کشتن عده‌ای از مبارزین در زیر شکنجه‌های حیوانی واصل شده است، این نگرانی را افزایش داده است.

شیوه‌های سبعانه اعمال شکنجه‌ها که بخشی از آن با نمایش "اعترافات" تلویزیونی رهبران حزب توده ایران، افشا گردید و در حقیقت سند همکاری خود حاکمین جمهوری اسلامی با قدرتهای بیگانوسرویسهای جاسوسی انسان، "سیا"، "موساد" و "اینتلجنت سرویس" است، دگراندیشان سراسر جهان را برانگیخت که

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

حزب توده ایران به انترناسیونالیسم پرولتری پشت نخواهد کرد

بقیه از صفحه ۱

ایران پسندیدهای تازه نیست، چه اولیسن دولت برآمده از انقلاب در اکثریت شکنند ه خود از عناصر لیبرالی و یا جاسوسان پنهانی و آشکارا میز یا لیسم تشکیل شده بود. دیگر طیف های راستگر- ایان که از لحاظ اهداف سیاسی خود، یعنی نگاه داشتن ایران در چهارچوب دنیای امپریا - لیستی و حفظ نظام اقتصادی - اجتماعی موجود، فقط در شکل و شیوه تحقق آن با لیبرالها اختلاف نظر داشتند، نیز آشکار بود و از همان روزهای اول انقلاب برنامه ریزیهای خود را برای خزش گام بگام بسوی مواضع کلیدی در حاکمیت کرده بودند.

توطئه های قهرآمیز براندازی امپریالیسم آمریکا یکی پس از دیگری به همت افشاگرکی ها و از جان - گذشتگی های نیروهای راستین انقلابی با شکست روبرو شد. جنگ تجاویز عراق علیه ایران که متحرک آمریکا انجام گرفت، شکل نویینی یافت و هدف نظامی آن به هدفی سیاسی، یعنی کشاندن آن به جنگی فرسایشی که باید جناحهای معینی از حاکمیت را که منتظر چنین روزهایی نداشتند، تقویت کرده، و آنها را بر صحنه ظاهر کند، تبدیل شد.

قشیرگی و انحصار طلبی که یکی از خصایص مشترک اکثریت شکننده نیروهای موجود در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بود، باعث آن شد که به جای شناختن دوستان دشمن و فریبیل کردن تدریجی نیروها و عناصری که مزورانه با انقلاب همراهی میکردند، راه را بر عناصر دشمن ریش دار امپریا - لیسم باز کردند، بطوریکه دیگر به جرئت میتوان گفت که اینک سکان کشتی طوفان زده حاکمیت را نه تکو توک عناصر صادق ولی کوتین، بلکه عوامل دشمن چه جاسوس مستقیم و چه افرادی که فکرشان نه حفظ و تعمیق دستاورد های انقلاب بلکه بازگرداندن چرخ آن است، میگردانند. با پی آمدهای ایسپی تحول منفی در حاکمیت که میتوان آنرا توطئه کودتا خزند ه امپریالیسم و عمال راستگرایان، همگی آشنایی دارند. راستگرایان که لحظه به لحظه و سنگر به سنگر در حال پیشروی بودند، مهر حضور فرزیده خود را در حاکمیت بر جای میگذاشتند. بعنوان نمونه مسکوت گذاشتن و لغو قوانین انقلابی، تصویب قوانینی که بند های استثنائی قرون را بر پای زحمتکشان همچنان حفظ میکند، بازگذاشتن دست غارتگران و چپا و لگران سرمایه دار، بازگرداندن زمینداران بر روی زمینهایی که توسط نهاد های انقلابی بین دهقان کم زمین و بی زمین تقسیم شده بود، اعمال سیاستهای درهای باز بازرگانی با کشورهای دست نشانده و یا خود امپریالیسم، بهبود و گسترش روابط سیاسی با کشورهای اروپای غربی و آغاز زرمه های ایجاد مناسبات با آمریکا (پرداخت غرامت جاسوسخانه و به شرکت های آمریکایی) را یاد آور میشویم.

این تحول منفی در موضعگیریهای اجتماعی اقتصادی حاکمیت نمیتوانست با رتاب خود را دربر خورد به دیگر نیروهای انقلابی در کشور و جهان نداشته باشد. افزایش فشار و تنگ تر کردن حلقه در حزب توده ایران و محروم کردن آن از

تمام حقوق قانونی خود، از اشغال دفاتر و منسح نشر روزنامه ها تا محروم کردن آن از شرکت در انتخابات و بالاخره افزایش بازداشت اعضا و هواداران آن هر روز بطور محسوس تری دیده می- شود. در عرصه سیاست خارجی نیز علیرغم پاره کرین حنجره در باره دفاع از نیروهای انقلابی در جها، روند نزدیکی با کشورهای امپریالیستی همچنان ادامه یافت. افزایش حملات ضد شوروی و ضد کشور های سوسیالیستی، بصورت پراکندن دروغهای امپریالیسم خبری در باره واقعیات جامعه سوسیالیستی و در باره سیاست خارجی اتحاد شوروی و هسان جلو دادن آن با امپریالیسم و یا حتی بدتر از آن، جلوه گر شد.

حزب توده ایران به مقابله پیگیرترین هدف دستاورد های انقلاب و حقوق زحمتکشان، مورد کین توتانه ترین حملات قرار میگرفت. با افزایش نفوذ راستگرایان مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ زمین داری در حاکمیت، این حملات شدید تر و شیوه ها آن نیز وحشیانه تر شد. هر قانون و یا هر پیشنهادی که رنگی از انقلابی بودن داشت "توده های" معرفی میگردد و با چوب تکفیر رانده میشود. "نفوذ توده های" ها را در ارگانهای حاکمیت به عنوان خطری بزرگ جلوه میدادند، چیزی که نه حقیقتی داشت و نه میتواند داشته باشد. در واقع خطر "حزب توده ایران در پیگیری و ایستادگی در مواضع انقلاب و بسیج زحمتکشان در دفاع از آنها بود.

اتحاد شوروی نیز که پشتیبانی خود را از جنبش مردم ایران و از انقلاب آن گرازا و در لحظات حساس اعلام کرده بود به عنوان دشمن خلق ایران معرفی شد و حملات علیه آن شدت گرفت. این حملات باز تاب خود را در حجم روابط اقتصادی گذاشت به طوری که این روابط تغییری در مقایسه با زمان شاه، نیافت.

نتیجه گیری از این تخییر و تحول اینست که شدت حملات ضد شوروی و ضد توده های علیل داخلی دارد و ریشهاش در چرخش حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بسوی راست نهفته است که در نهایت چهار نعل بسوی امپریالیسم خواهد شافت. این حزب توده ایران نیست که به اتحاد شوروی "وابسته" است و برای آن جاسوسی میکند بلکه این حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است که شتابان بسوی امپریالیسم میرود و جاسوسان خود امپریالیسم در آن جای یافته و یا عمل میکنند. پس جاسوس و وابسته را باید در خود حاکمیت جمهوری اسلامی ایران جستجو کرد نه در جایی دیگر. به تسلیم طلبیانی که اظهار میکنند حملات علیه حزب توده ایران و غیر قانونی کردن آن و افزایش شوکر ستنیزی چراغ سبز به آمریکا نیست باید گفت کمی به دور و برتان نگاه کنید. و واقع سیاسی یکسال اخیر را مرور نمائید تا اگر صادق هستید به نتیجهای دیگر برسید. جالب اینجاست که افرادی امروز حزب توده ایران را مورد اتهامات ناروا قرار میدهند که خود از گذاشتن واژه ایران در آخر نام "حزب" خود ایا دارند و هر دم از انترنا- سیونالیسم اسلامی سخن میرانند. جالبتر این که

بود جهای نیز از طرف مجلس تصویب کرد مانند تا به اصطلاح جنبش های اسلامی کمک مالی نمایند، اگر با زبان خودشان حرف بزنیم "جاسوس پروری کنند." آیا اگر حزب توده ایران با حفظ تمام مواضع خود در باره انقلاب به سیاست غیردوستانه و دشمنی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی میپرداخت مورد لطف این افراد قرار میگرفت؟ پاسخ به این پرسش را در بالا دادیم. سیاست دوستی و برابری حزب توده ایران با دیگر احزاب کمونیستی و کارگری و با کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی از مبنا سیاست حزب توده ایران است و اصولا بدون انترناسیونالیسم پرولتری نمیتوان از سیاست انقلابی حرفی در میان باشد. این حربه قدیمی امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی است که احزاب کمونیست و کارگری را "وابسته و غیر مستقل" معرفی میکنند تا خیانت های خود را بیوشانند و مردم را از شناخت دشمنان اصلی خود منحرف سازند. سیاست انتر- ناسیونالیستی حزب توده ایران چیزی نیست که به زیان منافع مردم ایران باشد بلکه برعکس به شهادت تاریخ در جهت آن بوده و به تأمین آن خدمت کرده است. تمام نیروهای دیکرات و مترقی جهان صادقانه اعلام میکنند که هر چه از واقعیات انقلاب ایران مطلع شد مانند از حزب توده ایران و به کوشش آن بوده است. حزب توده ایران همبستگی تمام نیروهای انقلابی جهان با انقلاب ایران را جلب کرده است. چیزی که بعدا خود حکام جمهوری اسلامی با اعمال خود بدان ضربه جدی وارد ساختند.

اتفاقا در دوران آخرین دهه های قرن بیستم با پدیدهای پس مهم و عیان برای تاریخ بشری مواجه هستیم. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا جهان را به ورطه جنگ هسته ای خانمانسوز میکشاند و از سیاست ماجراجویانه و تجا و کارانه، تنها در برابر کشورهای سوسیالیستی بلکه علیه تمام کشورهای مترقی، جنبش های رهایی بخش و جنبش های دیکراتیک دیگر پیروی میکند. با سرکار آمدن ریگان تلاشهای فراوانی انجام میگردد تا تمام نیروهای ارتجاعی جهان را در آمریکا متحد سازند. موج دروغ و تحریف در باره اتحاد شوروی و سوسیالیسم شدت بیسابقه ای یافته است. تلاشها امپریالیسم در این جهت سیر میکند که موج حملات ایدئولوژیک خود را بیک "جنگ منظم روانی" تبدیل کند. آنها میکوشند تا میان گردانهای گوناگون جنبش انقلابی جهانی شکاف بیندازند. جنبش های رهایی بخش و هر نهضت مترقی را از پشتیبانان واقعی آن، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، جدا کنند تا سرکوب آن سهل تبسیر و رسیدن به هدف سریعتر انجام گیرد.

تمام هم حزب توده ایران اتفاقا در این جهت بوده است که اول این تاکتیک امپریالیستی را افشا کرده و به حاکمیت جمهوری اسلامی هشدار دهد تا در چاه شوروی ستنیزی نیفتند و ثانیاً دست واقعی انقلاب ایران را به مردم زحمتکش و تمام نیروهای انقلابی بشناساند. زیرا ما معتقد بسوده،

بقیه در صفحه ۱۰

گسترش همبستگی بین المللی برای نجات جان زندانیان توده‌ای

توضیح داد و متذکر شد که رژیم جمهوری اسلامی ایران، با این اعمال که تکرار شیوه‌های بکار رفته از طرف رژیم‌های دیکتاتوری، چون حکومت نظامی السالوادور است، نشان داد که نه تنها از مواضع مکرانیک فرستگها فاصله گرفته، بلکه چهار نعل به دره خیانت به خلق سقوط می‌کند. وی سپس به فعالیتهای بین‌المللی دموکراتهای جهان، در حمایت از حزب توده ایران اشاره کرد و با خواندن بیانیه "کمیته بین‌المللی دفاع از زندانیان توده‌ای"، به سخنان خود پایان داد.

سپس یکی از هواداران حزب توده ایران، در مورد وقایع اخیر و سیر کلی انقلاب توضیحاتی داد که بدنبال آن، حاضرین، با کف زدنهای پر شور، همبستگی خود را با حزب توده ایران و مبارزین زندانی، ابراز نمودند و رفیق لئو پولد واسپونی، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کاتالونیا و مسئول روابط خارجی این حزب حمایت همه جانبه کمیته‌های کاتالونیا را از زندانیان توده‌ای اعلام نموده و اظهار داشت: "حزب توده ایران، یکی از معتبرترین احزاب کمونیست جهان است که پرچم خونین مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم را در یکی از دشوارترین شرایط ممکن، همچنان قهرمانانه، بدوش می‌کشد."

مزاسم در میان فریادهای "زنده باد حزب توده ایران!" خاتمه یافت. گزارش جلسه فوق در مطبوعات اسپانیا و از جمله در ارگان حزب کمونیست کاتالونیا بطور مشروح انتشار یافت.

واکنش شدید مردم آزادخواه یونان در برابر توطئه امپریالیسم خبری

در پی انتشار خبر تأیید نشده اعدام رفیق نورالدین کیانوری بوسیله امپریالیسم خبری، به منظور ایجاد جو آزمایش کردن افکار عمومی آزادخواهان جهان، صدها تن از مردم آزادی خواه یونان، سراسیمه در مقابل سفارت ج ۱۰۱۰ در آتن ازدحام کرده و با دادن شعارهایی از قبیل "زنده باد حزب توده ایران"، "زندانیان توده‌ای را آزاد کنید"، دستها از حزب توده ایران کوتاه و "و ۰۰۰ نگرانی خود را ابراز داشته و ضمن برگزاری تظاهراتی خواستار اطلاع دقیق از صحت و سقم این خبر و وضعیت جسمی و روحی رفیق نورالدین کیانوری و سایر مبارزین توده‌ای در زندانهای ج ۱۰۱۰ شدند.

● نمایندگانی از سوی حزب کمونیست یونان، به سفارت ج ۱۰۱۰ در آتن مراجعه و درخواست کسب اطلاعات موقت در مورد خبر مربوط به کشته شدن رفیق کیانوری را نمودند.

بقیه در صفحه ۵

جهت نجات جان این مبارزین از مرگ، اقدام کنند.

— احزاب و سازمانهای زیر در بخش اکسس، نسبت به بازداشت غیرقانونی و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران، اعتراض نموده، آزادی بلادرنگ آنان را خواستار گردیده‌اند:

● اتحادیه دانشجویان کمونیست ● اتحادیه دانشجویان کامرون ● حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش

جلسه همبستگی با حزب توده ایران در اسپانیا

در جلسه‌ای که بوسیله کمیته بارسلون حزب کمونیست کاتالونیا، در اول ماه ژوئن (دهم خرداد ماه)، در این شهر برگزار گردید، صدها نفر شرکت کردند.

جلسه با سخنرانی لوئی اوری، مسئول کمیته شهری بارسلون، افتتاح شد. وی با اشاره به نقش حزب توده ایران در مبارزات خود علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی و همبستگی اهالی بارسلون با انقلاب ایران، خواست آنان را مبنی بر پایان بخشیدن به تظییقات علیه حزب توده ایران و آزادی اعضای آن، بیان کرد.

CASAL JULIAN GRIMAU
STA. PERPETUA, Nº 11
Miércoles día 1, a las 20 horas

ACTO DE SOLIDARIDAD CON EL TUDEH

ORGANIZA
EL COMITÉ DE BARCELONA DEL
PCC
PARTIT DELS COMUNISTES DE CATALUNYA

آنگاه، آقای سالوادورس، یکی از معتبرترین وکلای اسپانیا و عضو کمیته بین‌المللی دفاع از زندانیان توده‌ای، به سؤال اعلام غیرقانونی بودن حزب توده ایران، دستگیری رهبران و اعضا و شکنجه‌های جنایتکارانه‌ای که در مورد آنان اعمال شده است، پرداخت و در این رابطه نمایشهای تلویزیونی "افانیر" و استفاده از داروهای مختلف در بدست آوردن آنسرا،

بقیه از صفحه ۱

اسلام و خواصی "مسلم" بودن میزنند، تا بحال حاضر نشده‌اند، اجازه ورود به هیاتهای ناظر بی طرف، (هیاتهایی که در آن پیروان مذاهب دیگر نیز عضویت دارند) را بایران بدهند؟ جواب این سؤال را هر انسان شرافتمندی میداند: در سیاهچالهای جمهوری اسلامی، جنایاتی در شرف تکوین است که بر ملا شدن راز آن، بقیمت تنگ آبدی برای راستگرایان و تسلیم طلبیان حاکم بر سرنویشت مردم، تمام خواهد شد.

محافل مترقی فرانسه همبستگی خود را با زندانیان توده‌ای گسترش می‌بخشد

روز پنجشنبه ۵ ماه مه مصاحبه‌ای با یکی از راد یوهای محلی شهر سن اتین ترتیب داده شد که طی آن، پس از پاسخ به سوالات، فراخوانی بمنظور همبستگی بین‌المللی جهت نجات جان رفقای در بند از سوی هواداران حزب در منطقه شرق فرانسه قرائت گردید.

● در همین رابطه، رادیوی محلی ماریسی نیز، مصاحبه‌ای با رفقای حزب توده ایران در این شهر ترتیب داد که در خاتمه آن، از شنوندگان، دعوت بعمل آمد، نامه‌های اعتراضی به سفارت ج ۱۰۱۰ در فرانسه، ارسال دارند.

● شخصیتها و سازمانهای زیر در شهر نیس، با ارسال نامه‌های اعتراضی به سفارت و مقامات ج ۱۰۱۰ اعمال تظییق و شکنجه را در مورد رهبران و اعضای در بند حزب توده ایران محکوم نمودند:

● معاون ریاست دانشگاه نیس خبرنگار تشریبه پتریوت ● هفت تن از اساتید دانشکده حقوق شهر نیس ● انجمن دانشجویان تونسسی ● اتحادیه دانشجویان کمونیست نیس ● جنبش جوانان کمونیست فرانسه در نیس

— از جانب شهرداران، وکلا، سناتورها، اساتید دانشگاه، مسئولین بخشهای مختلف حزب کمونیست، شعبه‌های کنگره ارسپون عمومی کار (ث. و. ت.)، اتحادیه زنان فرانسه و روشنفکران استان آلپ — ماریتم، تلگرامها و نامه‌های اعتراضی نسبت به دستگیری و شکنجه زندانیان توده‌ای، به مقامات دولتی ایران، ارسال گردیده است.

— اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه در شهر ماریسی، طی ارسال نامه‌ای به سفارت که در نشریه ارگان محلی حزب کمونیست فرانسه نیز بچاپ رسیده، به شکنجه اعضای حزب توده ایران شدیدا اعتراض نموده است.

— اتحادیه دانشجویان کمونیست فرانسه در ماریسی، اعتراض خود را نسبت به اعمال شکنجه در مورد رفقای توده‌ای، با ارسال نامه به سفارت، مقامات ج ۱۰۱۰ بیان نموده و طی مخابره تلگرام به خانم گاندی، محافظ اسد، شاذلی بن جدید و قذافی، از آنان خواسته است،

تهدید و ارباب ابزار حاکمیت خلق نیست!

بقیه از صفحه ۱

و ضد امپریالیست به تحکیم پایه‌های جمهوری اسلامی ایران خدمت می‌کند. ولی زحمتکشان میهن ما و تمام انسانهای صادق و راستیمن انقلابی روزانه با گوشت و پوست خود نتایج اقدامات متعدد و متنوعی را لمس می‌کنند که بوسیله آنها زنجیرهای وابستگی به غرب سرمایه داری، چهار سال پس از پاره کردن آنها دوباره بر دست و پای مردم زحمتکش میهن ما تنیده می‌شود:

— قرارداد های تجاری نامتناسب و علیه منافع ملی میهن ما،
— تدویم و توسعه "صنعت" مونتاژ که برای سرپوش گذاشتن روی آن، نام "ایران ناسیونال" به "ایران خودرو" تبدیل می‌شود،
— تدویم توسعه ماوراء گران قرارداد ها با شرکت های "مختلط"، همانند شرکت پتروشیمی ایران — ژاپن،
— تدارک ادامه ساختمان نیروگاه های برق اتمی — توسعه همکاری منطقه ای با ترکیه و پاکستان کودتا زده و ژاندارم های منطقه ای امپریالیسم از جمله تأیید ضمنی تجاوز ارتش ترکیه که در زیر پوشش پیمان ناتو به جنبش آزاد بیکش مردم عراق علیه رژیم آمریکائی صدام شیخون زد و بیه قتل عام و دستگیری آزاد یخواهان عراقی پرداخت.

این اقدامات در سیاست خارجی و سیاست خارجی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، در انطباق کامل و قانونمند است با تصویب قوانینی از نوع قانون "مالک و مستأجر" که یکطرفه منافع مالکان غارتگر را تأمین می‌کنند یا پیش نویس ضد کارگری قانون کار که کارگران و زحمتکشان میهن

ما را به بردگان بی حق در جمهوری اسلامی تبدیل می‌کند.

رشته های دیگر وابستگی به غرب سرمایه داری را، که بر دست و پای زحمتکشان میهن ما تنیده می-

نگتان بر صفحه تاریخ

جاویدان بماند!

پیش جلا د ان، مگر خشم می شود پشت دلیران؟
ای جنایت پیشگان،
آیا چها کردید با خیل اسیران؟
ماه ها در دخمه تاریک تنها،
چشم بسته،
گاه و بی گاه،
روی منقل های برقی،
با تن عربان نشسته،
رنج بی خوابی کشیده،
از شکنجه، مسخ گشته،
با هزار آزار، دزدیدید هوش و جنش شان را؟
یا که در روی جنون، در خونشان کردید جاری؟
تا شود تکرار
طوطی وار

از لب های خونین ورم کرده
"اعتراف"، "اقرار"!

وه چه رسوا شد نغمه طبل تهنیتان!
کودکان خندند بر این ابله ی تان...

ای جنایت پیشگان،

آن شیخ های شکنجه دیده را کشتید آیا؟
تا که اسرار پلید جرم تان پنهان بماند.

نگتان بر صفحه تاریخ، جاویدان بماند!

شود، می توان در رد کردن قانون تجارت خارجی دولتی که تحقق آن در اصل ۴۴ قانون اساسی ایران تضمین شده است و یا رد قانون اصلاحات ارضی که می‌بایستی پسه غارت زحمتکشان روستا توسط کلان زمین داران و فئودالها پایان می‌داد، مشاهده کرد.

نگرشی بر این قرارداد ها و روابط و تصویب قوانین و یا رد قوانین دیگر نشان می‌دهد که هر کدام از آنها حلقه ای را از زنجیر وابستگی اقتصادی و سیاسی میهن ما به ارباب امپریالیسم جهانی و حفظ جمهوری نوپای ما در ذخیره جهان سرمایه داری تشکیل می‌دهند و وابستگی ای که حفظ آن بدون ایجاد "سکوت قبرستانی" در میهن ما ممکن نیست، که حفظ آن بدون سرکوب بربر موشانه دگر اندیشان، هم پیسرول سوسیالیسم علمی و هم مسلمانان ضد امپریالیست و مردمی ممکن نیست، وابستگی ای که بدون ایجاد لیست ملک‌کار تیمس "اسلامی و بازداشتگاه های مرگ برای آزار دگر اندیشان ممکن نیست!

میهن انقلابی — به مرداب وابستگی به امپریالیسم کشانده می‌شود. قربانی کردن توده های ما را باید قیمت این خیانت تاریخی دانست. اما تاریخ نبرد ۴۱ ساله، حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران که هر روز آن با قربانی و فداکاری برای استقلال میهن، تأمین آزادی و عدالت اجتماعی پسرای زحمتکشان رقم زده شده است، می‌آموزد که هیچ نیروی ارتجاعی و هیچ شیوه سبعمانه ای قادر نخواهد بود مبارزان توده های ما را از قدم گذاشتن در راه حزب طبقه کارگر و استواری پیگیرانه در این راه باز دارد.

جنایت قشری ها و حجتیه ایها در فیلیپین

دانشجویان بخلت برخورد نکبتبار قشری انجمن اسلامی از فیلیپین فرار میکنند. اخیراً سه دانشجوی فارغ التحصیل مهندسی هواپیمائی کماز ۴۵۰۰ دانشجوی ایرانی در فیلیپین تنها همین

سه نفر توانسته بودند در این رشته وارد شوند به کشورهای غربی پناهنده شدند. علت فرار یکی از آنها این بوده که گویا برادرش هوادار مجاهدین خلق بوده است. با اینکه خودش هوادار هیچ سازمانی نبوده و به "قرقه ضاله" هم تعلق نداشته سه ماه پیش که برای تهدید گذرنامه به سفارت می‌رود همان سه نفر کذافی بیاک کتک حسابی حالش را جا می‌آورند و سپس می‌گویند حالا برو به برادررت بگو بیایند. او هم که راه چارماهی برایش نمانده بود پس از پایان تحصیل توسط دفتر سازمان ملل به سوئد پناهنده می‌شود. یکی از این سه نفر حتی خود مدتی عضو انجمن اسلامی بود و در سفارت کارهای دانشجویی را انجام می‌داد است.

فدای قشریها نهمه غیر مسلمان رحم میکنند و نه به مسلمان طر عدالت اجتماعی و نه به کسانی که در خانواده شان کسی به اسب قشریون گفته باشد یا بو. دگر اندیشان اعم از تودهای و فدائی (چه اکثریت و چه اقلیت) که دیگر جای خود دارند.

فرامی‌خوانند. در سفارت اتاق مخصوصی برای این گونه دانشجویان فراهم کرد ماند. نخست آنانرا مورد بازجویی قرار میدهند و سپس به طرز وحشت ناکلی کتک زده و به او ناسزا می‌گویند. مسئولین کتک زدن سه نفر هستند: امیر کابیزیان مسئول انجمن، رحمت الله بختیاری، علی مشهدی. اینان پس از کتک زدن از اتاق خارج میشوند و فرد دیگری بنام عباس جهاننیده وارد میشود که به اصطلاح دانشجوی کتک خورد، را نصیحت میکند. شیوه آنان دقیقاً منطبق بر شیوه های ساواک شاه است. چندی پیش دانشجویی را طوری کتک زد و بودند که تا یک هفته قدرت شنوایی خود را از دست داده بود و نمیتوانست دهان خود را باز کند. "تعزیر" اسلامی در سفارت جمهوری اسلامی ایران در فیلیپین بطور وسیعی مورد استفاد قرار می‌گیرد. به این جهت اخیراً فرار دانشجویان ایرانی از فیلیپین و پناهنده شدن نشان به سوئد، کانادا، استرالیا، فرمز و ژاپن بسیار افزایش یافته است.

چندی پیش یک دانشجوی سال سوم رشته دندان پزشکی بنام جمشید بنصوری در منزل مسکونی خویش خودکشی کرد. او با طنابی خود را از پنجره اتاق خلق آویز نمود. علت خودکشی فشارهایی بود که از طرف انجمن اسلامی به او وارد میشد بوهمچنین کتک خوردن او از دست یکی از افراد انجمن و ادامه آزارها بوده است. سفارت جمهوری اسلامی ایران در فیلیپین از طرف نیروهای حجتیه رون انجمن اسلامی کاملاً قبضه شده است. آنان به عنوان گونه گون دانشجویانی را که برای کارهای خود به این سفارت مراجعه میکنند مورد آزار و فشار قرار می دهند و عملاً دانشجویان را وادار به پناهنده شدن به کشورهای غربی یا ژاپن و فرمز و استرالیا می نمایند. انجمن حجتیه دزد درون سفارت برای خود یک دستگاه ساواکی بوجود آورده و دانشجویان یا نیرا که در جایی چیزی در ارتباط با پدیدها منفی در ایران گفته باشند بوسیله جاسوسان انجمن شناسائی کرده و سپس آنانرا به پهنای سفارت

گسترش همبستگی بین المللی...

بقیه از صفحه ۳

سفیر از ملاقات با آنان سر باز زده و یکی دیگر از کارمندان سفارت در دیدار با آنها، اظهار داشته است که در این مورد اطلاعی از ایران نرسیده است.

● کمیته یونانی برای همبستگی بین المللی، نگرانی شدید مردم این کشور را از انتشار خبر قتل رسیدن رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول حزب توده، ایران در مطبوعات، اعلام داشته و از حکومت ایران می طلبد که افکار عمومی مترقی یونان را در جریان صحت و سقم این خبر قرار دهد و نیز در صورت عدم صحت خبر، در مورد وضع جسمانی وی و سایر همزمانانش اطلاعات دقیقی در اختیار آنان بگذارد.

● در پی میتینگ همبستگی که سازمان حزبی چاپخانه حزب کمونیست یونان، با شرکت رفقای حزب توده، ایران، در آن برگزار کرد، کارگران چاپخانه حزب کمونیست یونان تصمیم گرفتند که سیصد ساعت از کار خود را وقف چاپ پوستر و نشریات حزب توده، ایران نمایند.

شخصیتهای سیاسی، علمی و فرهنگی آلمان فدرال اعتراض شدید خود را نسبت به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران ابراز می دارند

شخصیتهای سیاسی، علمی و فرهنگی، به شیوه های مختلف، اعتراض شدید خود را به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده، ایران ابراز داشته اند که از آنجمله اند:

کورت اربلایخ، دبیر کل سازمان ضد فاشیست های آلمان فدرال، و لفرام برومر، سردبیر و مسئول "بولتن ضد امپریالیستی"، و پیتر گین گلد عضو هیأت رئیسه "کمیته بین المللی آشویتس"، پیتر گین گلد مبارز ناموسی ضد فاشیست آلمان که خود در بازداشتگاههای مخوف هیتلری زندانی بوده است، در نامه خود به مسئولین جمهوری اسلامی، پس از ابراز تعجب و ناپسندی از دستگیری رهبران و اعضای حزب توده، ایران نگرانی شدید خود را در مورد عدم اطلاع از وضع آنان و سرنوشت نامعلومشان، ابراز می دارد.

وی چنین می نویسد:

"من، شخصا بیش از نیم قرن است که در مبارزه ضد امپریالیستی شرکت دارم، بارها تحت پیگرد قرار گرفتم، سرانجام محکوم به مرگ شدم ولی خوشبختانه موفق به فرار شدم. طی این سالها بود که کمونیستها را بعنوان پیگیرترین و فداکارترین مبارزین راه آزادی شناختم."

۴- کلیه زندانیان توده ای را که با اتهامات واهی و جعلی بازداشت شده اند، بلا درنگ آزاد نماید.

● فردی هولزر، یکی از مبارزین سابق نهضت مقاومت بر علیه نازیها در آلمان فدرال است که شهرت و معروفیت دارد. نامه وی را بیش از ۲۰۰ تن از دمکراتها و شخصیتهای مترقی و برجسته این کشور امضا کرده اند.

هولزر، در نامه پس از بر شمردن تاریخچه وقایع ایران که منجر به سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب در ایران گردید، مینویسد:

"این نکته روشن است که چرا آمریکا و سایر کشورهای عضو پیمان ناتو، پس از سرنگونی رژیم شاه در ایران که حافظ منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا بود، به دشمنی با انقلاب ایران برخاستند. اما از همان ابتدای پیروزی انقلاب، ما با نگرانی شاهد تکوین جریان دیگری در ایران بودیم که تحت نام اسلام عمل می کرد. این جریان که بنظر میرسد هم اکنون تثبیت شده باشد، با کلیه

گین گلد آنگاه چنین ادامه میدهد:

"انقلاب مردمی ایران، مقام اولیسی در مبارزه جهانی ضد امپریالیستی دارد و بخاطر این مبارزه و بخاطر منافع مردم ایران، شدیدا بر علیه تضحیقات و فشار در مورد حزب توده، ایران و رهبران و اعضای آن، اعتراض می کنم."

● دکتر میسائیل شپرنگر، عضو هیأت اجرائی کانون نویسندگان آلمان، در آخن و عضو سازمان ضد فاشیستها، طی نامه ای خطاب به مسئولین جمهوری اسلامی ایران، در مورد دستگیری جمعی رهبران و اعضای حزب توده، ایران و شکنجه و توطئه قتل آنان، از جمله مینویسد:

"این اتفاقات، زمانی در کشور شما بوقوع می پیوندد که دمکراتهای آلمان، مراسم



میتینگ همبستگی با حزب توده ایران در راسلن

پنجاهمین سالگرد واقعه اسفناک بقدرت رسیدن فاشیسم در این سرزمین را که منجر به قتل عام و بدبختی میلیونها انسان در سراسر جهان گردید، برگزار می نمایند. اولین اقداماتی که رژیم دیکتاتوری فاشیستی در ایران انجام داد، غیر قانونی کردن حزب کمونیست و به بنسداد کشیدن و نابودی کمونیستهای این کشور بود.

تجربه تاریخی می آموزد که پیگرد کمونیستها در همه جا، تحدید آزادی و نابودی دمکراسی را بدنبال داشته است. از اینجهت همراه با دمکراتهای آلمان، نگرانی خویش را از سرنوشت مبارزین توده ای در بند اعلام داشته، از آن دولت می طلیم که:

- ۱- با اعزام کمیسونی با ایران جهت بررسی وضع آنان و نحوه بدست آوردن "اقراریه" از آنان موافقت نماید،
- ۲- فعالیت قانونی حزب توده، ایران را تأمین نماید،
- ۳- بدون برگزاری دادگاههای علنی با شرکت ناظرین بین المللی، هیچگونه حکمی در مورد آنان صادر ننماید،

پیشنهاداتی که در مورد تغییر بنیادی مناسبات کهنه اجتماعی ارائه گردیده، مخالفت ورزیده و بدانها مهر "الحادی" یا "کمونیستی" می زند.

برخی از امضاء کنندگان این نامه، افرادی هستند که سابقا تحت پیگرد رژیم نازیها در آلمان قرار داشتند و بخوبی باین امر واقفند که حمله به نیروهای مترقی، غالبا استقرار دیکتاتوری را به همراه دارد. در این رابطه است که بازداشت نورالدین کیانوری و سایر همزمان وی، باعث نگرانی شدید ما گردید و خبر بعدی، مبنی بر نمایش "اقراریه تلویزیونی" این مبارزین اضطراب ما را صد چندان نمود؛ زیرا پسا شناختی که از دوران حکومت نازیها در آلمان داریم، مفهوم این نوع "اعترافات" را که در آن زمان نیز از قربانیان بزور شکنجه های ددمشانه کسب میشد، کاملا درک می کنیم. و اکنون این سوال بر ما مطرح شده است که آیا چه بسر این انسانهای مقاوم، این مبارزین توده ای آوردند که آنان به "اعترافاتی" دست بقیه در صفحه ۱۴

آقای نخست وزیر، آن اوج کجا و این حضيض کجا؟

اظهارات سران کشور های امپریالیستی در کنفرانس ویلیامزبورگ آمریکا مبنی بر افشای مستقیم "روابط جدید" این کشورها با ایران که از طرف آقای میر حسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی، بعنوان "فرب ها" و "نیرنگ ها" که در "ما" موثر نخواهد بود، توجیه شده است، مجدداً نقطه مرکزی گفتارهای اخیر ایشان را با خبرگزاری جمهوری اسلامی در ریختن تشکیل میدهد.

آقای میر حسین موسوی در مصاحبه ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی برای "پرهیز مصلحت آمیز" از جواب به این سوال روشن و بسیار مستقیم خبرنگار که پرسیده بود: "تظیر شما پیرامون اظهارات اخیر سران کشورهای صنعتی غرب در مورد ایران چیست؟" دست به سفسطه میزند و به سراغ شعار "نه شرقی نه غربی" رفته و در جواب میگوید: "سران کشور های غرب هنگامیکه دانشجویان قهرمان ما لانه جاسوسی شیطان بزرگ (آمریکا) را تسخیر کردند، تحلیلی ارائه دادند که براساس آن، انقلاب ایران را متعادل به شوروی وانمود کردند و امروز هم که ریشه حزب جاسوس توده در کشور ما زده شد، آقایان اظهار میدارند که ممکن است انقلاب به سمت غرب باز گردد." (اطلاعات ۱۱ خرداد ۱۳۶۲)

اعتراف قبلی ایشان در مورد اینکه "ما تصمیم داریم روابط خود را با جهان خارج گسترش دهیم"، که با ملاقاتهای آشکار و نهان مسئولین و فرستاده های حاکمیت جمهوری اسلامی با مسئولان و سفراء کشورهای امپریالیستی و همچنین با انعقاد قرارداد های اقتصادی - تجاری بر طبق روال قبل از انقلاب همراه است و بویژه با یورش قانون شکنانه به حزب توده ایران مصادف است، بیان جو حاکم بر این "گسترش روابط" است!

آقای نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران برای دگرگون نشان دادن حقایق به قیاس باطل و حق پرداخته و بین رویداد های انقلابی که منجر به تسخیر جاسوسخانه آمریکا گردید و وقایع ضد انقلابی که به یورش به حزب توده ایران انجامیده است، علامت تساوی گذاشته است. او به بحث تلاش میکند تا تناقضات میان اوج انقلابی و حضيض راستگرایی سازش و تسلیم را پرده پوشی کند و فراز و نشیب مبارزات طبقاتی چند سال پس از پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ را میان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و مرتجعین و سایر وابستگان این نیروها از يك طرف و کارگران و دهقانان و همه زحمتکشان و مردم آزاد یخسواه ایران را از طرف دیگر به فراموشی سپارد. وی برای دگرگون نشان دادن سردرگمی های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته و برای انکار خوشنودی امپریالیستها از گرایش به غرب امپریالیستی در حاکمیت جمهوری اسلامی به "استدلال" و قیاس باطل پرداخته میگوید:

"وقتی ریشه حزب خائن توده در ایران زده شده، دیدیم کشورهای غربی احساس کردند که تحلیل هایشان در مورد اینکه ایران به سمت شرق میروند، غلط از آب درآمده است. او که با این بیان بی پایگی ادعاهای امپریالیستها را در مورد "به سمت شرق" رفتن ایران عنوان میکند، میخواهد خاک بر چشم زحمتکشان میهن ما بریزد، اگر اظهار جشنودی سران امپریالیستها را در ویلیامزبورگ در مورد تخفیر گرایش در حاکمیت جمهوری اسلامی "گیج و مات زده شد...". این سران امپریالیستی وانمود میسازند، در مورد "شرق" هم آقای نخست وزیر خود را به عبث به نادانی میزند، وقتی میگوید: "شرق هم دارای تحلیلهای متناقض است. يك روز جمهوری اسلامی ایران را ضد امپریالیستی و مترقی می نامد، ولی به محض اینکه بساط حزب توده برچیده میشود، يك خط انحرافی در این نظام را کشف می کند... (و) ۴۰۰ دچار سرگیجه می شوند."

حزب توده ایران و اردوگاه سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه جهان هیچگاه در مورد انقلاب ایران، نیروهای شرکت کننده در آن "دچار سرگیجه" نبوده اند و از روند آن شناخت دقیق علمی داشته و دارند. آقای نخست وزیر نمیتواند با این بند بازیهای لفظی "نبرد که بر که" بین راستگرایان و معاشاتگران را در چند سال گذشته مخدوش سازد، همانطور که نمیتواند با منتسب کردن "سرگیجگی" خود به "شرق" تسلیم طلبی معاشاتگران را به راستگرایان ببوشاند و همانطور که قادر نخواهد شد خوشنودی جهان سرمایه داری و سردمداران امپریالیست آنرا از دید مردم میهن ما مخفی نگه دارد. آقای نخست وزیر به کوره راه میروند، اگر تصور می کنند که زحمتکشان میهن ما "دم خروس" را نمیبینند و به "قسم" او بساور دارند!

چگونه زحمتکشان میهن ما میتوانند توفندگی جامعه ایران در روند تعمیق انقلاب را در روز های تسخیر جاسوسخانه فراموش کنند؟ چگونه میتوانند میسارزه بی امان با سلطه سرمایه داری جهانی و نیروهای جبهه وسیع ضد انقلاب و احترام در جهت حفظ منافع مردم ستندید؟ ایران را با انعقاد قرارداد های اقتصادی ایران با سرمایه داری جهانی که بر مبنای همان اصلی یکطرفه و به قیمت غارت ثروت نفت میهن ما انجام میشود، یکی بدانند؟ و ملاقاتهای پنهان و آشکار مسئولین جمهوری اسلامی ایران با کشورهای امپریالیستی و دهها اقدام دیگری که استقلال، آزادی و تأمین عدالت اجتماعی به نفع زحمتکشان ایران، این شعارهای اصلی انقلاب را زیر ضربه قرار داده است را با اشغال جاسوسخانه آمریکا یعنی ضربه قاطع و سنگین به این وابستگی های قدیمی و دیواره در راه را نمیبینند؟ نمیبینند که آن توفندگی انقلابی، آن اوج انقلابی برای گسیختن بند های وابستگی به غرب امپریالیستی بود و یورش به حزب توده

ایران نتیجه نشیب و حضيض انقلاب، تیره کودتای خزنده ای است که برای برقرار کردن مجد همان وابستگی ها و ایجاد غارت مجد در ثروت های ملی و استعمار و استثمار بی بند و بار زحمتکشان میهن ما است؟

توفندگی انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما که به سقوط رژیم سلطنتی منجر شد، به نفوذ مستقیم امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا در ایران ضربات جدی وارد کرد. این دستاوردها که بقول آقای نخست وزیر، سران کشورهای غربی زمانی آنها را "تعادل به شوروی" تحلیل کرده اند، توانستند با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فرصتهای قانونی برای حفظ و حراست از استقلال و آزادی برای بازسازی جامعه انقلابی در راه ترقی خواهی و تأمین عدالت اجتماعی و ایجاد نهاد های انقلابی و تصویب قوانین تفصیلی جهت تأمین مناقع کارگران و کشاورزان و همه زحمتکشان ایران فراهم سازند.

در میان توفندگی انقلابی برنامه اصلاحات ارضی بعنوان وظیفه درجه اول روز، بنفخ دهقانان محروم و بدون زمین و قطع غارت بزرگ مالکان و فئودالها مطرح شد و برای اجرای آن نهادهای انقلابی در روستاهای ایران بوجود آمد.

کارگران ایران در مبارزات خود جهت تعمیق انقلاب و تأمین منافع کارگران، برنامه های وسیعی ارائه نمودند و از تشکیل شوراهای سندیکا های کارگری حمایت کردند.

ملی کردن تجارت خارجی بمنظور قطع چپاولگری های بی بند و بار کلان سرمایه داران و تجار بزرگ بازار در دستور روز قرار گرفت.

فعالیت علمی و قانونی اجزای سازمانهای سیاسی انقلابی، آنچنان بضرورت روز بدل شد که قبل از تدوین و تصویب قانون در این زمینه دادستانی انقلاب ملزم بصدور دستورالعملی قانونی معروف به "اعلامیه ده ماده ای دادستانی" گردید.

این دستاوردهای انقلابی که به نمونه های بارزی از آنها اشاره شده، آسان بدست نیامدند و بدون شك حفظ آنها کار ساده ای نبود، بیان آن اوج قدرت انقلاب بود که غرب را بوحشت و "سرگیجگی" کشانده بود و "شرق" حامی انقلاب را به تشدید پشتیبانی خود از انقلاب میهن ما و دستاوردهای آن.

اکنون که کودتای خزنده ضد مردمی برای براندازی نام و تمام انقلاب ایران در جریان است، حقایق و وقایع سیاسی و اقتصادی، تنها شایهتی با رویدادها و اقدامات انقلابی بعد از اشغال جاسوسخانه آمریکا ندارد، بلکه درست جهت معکوس آنرا نشان میدهد.

اکنون نه تنها بخاطر اشغال سفارت آمریکا در تهران و در نتیجه از صفحه بیرون راننده شدن دولت سازشکار بورژوازی لیبرال، از دولت بقیه در صفحه ۷

بیانیه سخنگوی رسمی دفتر سیاسی حزب کمونیست عراق در باره حمله نیروهای ترکیه به خاک عراق

هزینه‌های جابجایی و حرکت نیروهای ترکیه، و همچنین تخلیه کردها در داخل خاک ترکیه، با نضمام سایر هزینه‌ها جهت آزار و سرکوب را بپردازد.

د رژیم ارتجاعی عراق و ترکیه در حال احیای اهداف منشور سعدآباد و پیمان دهن شده ستو، برضد جنبش آزادی بخش و کرد و آرماس مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و صهیونیسم هستند.

کاملاً روشن است که حمله ترکیه بطور بسی خدشه‌آمیز، موجب شکست رژیم دیکتاتوری بغداد و نتوانی آن به از بین بردن جنبش در حال رشد مردم می‌میین ماست، و بهمین علت دست‌گد امی بطرف محافل ناتو و نوکران آمریکا دراز کرد و است تا او را نجات دهند. این مداخله آشکار جز مداخله نظامی است به قصد محاصره جنبش میهنی عراق و گردانهای جنبش ملی کرد رهبری خانسن " اتحادیه میهنی کردستان " در حمله‌اش به مقر جبهه دیکتاتیک میهنی در پشت - آشان، آغاز به اجرای آن کرد. این حرکت خطرناک را تنها میتوان در چهار چوب نقشه ارتجاعی امپریالیستی - صهیونیستی در سطح تمامی منطقه دید که، مقدمات سیاسی و نظامی شروع تجاوز اسرائیل به پشتیبانی آمریکا بر ضد سوریه و جنبش مقاومت فلسطین را، بسا هدف برزاند آوردن این جنبش ها و تحمیل سرکردگی آمریکا در تمام منطقه تسداری می‌بیند.

جنبش ما قویا نفوذ نیروهای ترکیه بداخل مرزهای میهن مان را محکوم می‌کند و معتقد است که موضع رژیم دیکتاتوری عراق در تأیید این حمله نشانه زیر پا گذاشتن حاکمیت ملی و تجاوز خطرناکی به استقلال میهن است. حزب ما بنابراین معتقد است که وظیفه مقابله با این کارزار توطئه آمیز و کثیف که مردم میهنمان عراق و نیروهای مترقی آنرا تهدید میکند، سازماندهی وسیعترین کارزار اعتراضی علیه دولت فاشیست ترکیه، و افشای همکاری نظامی این دولت با رژیم صدام حسین را، ایجاب می‌کند.

همچنین لازم است که عواقب این حرکت خطرناک علیه جنبش آزاد بیخشن عرب و گسترش این حرکت (تجاوز نظامی ترکیه به مرزهای عراق) به سایر نقاط مرزی که این خود امنیت و صلح در منطقه را تهدید می‌کند و کمنی است به اسرائیل و اربابان آمریکانیش در تشدید فعالیت توطئه آمیزشان علیه جنبش آزادی بخش عرب و علیه استقلال و حق حاکمیت ملی تمامی کشورهای عربی افشاء نمود.

x منابع رسمی عراق و ترکیه بعداً اعلام کردند که نیروهای ترکیه که در حمله شرکت کردند بر ۱۵۰۰۰ نفر بالغ گردیدند.

با همکاری ماشین دیکتاتوری بغداد، علیه مقرر نیروهای حزب ما و نیروهای جبهه دیکتاتیک میهنی (PDF) واقع در " پشت - آشان " کردستان عراق، انجام می‌گیرد.

مقامات ترکیه قبلاً تهدیدهای خود را علیه توده‌های کرد عراق و علیه نیروهای جبهه دیکتاتیک میهنی، در روزهای پس از جنایت " اتحادیه میهنی کردستان " علیه حزب ما و حزب سوسیالیست کردستان، به بهانه کشته شدن تعدادی سرباز ترک در مرز تشدید کرده بودند که درعین حال نشاندهنده همکاری نیروهای ترکیه و عراق برای بوجود آوردن شرایط مناسب برای حمله به پایگاههای جبهه دیکتاتیک میهنی در منطقه مذکور بود.

در اوایل سال جاری، احزاب تشکیل دهنده جبهه دیکتاتیک میهنی و احزاب مترقی کرد در ترکیه، قرارداد های مخفیانه ترکیه و عراق را امین بر همکاری و هماهنگی دو کشور برای تحقیر و انهدام گردانهای جنبش ملی کرد و انقلابیون هر دو کشور، شامل اجازه نفوذ به خاک یکدیگر را، افشاء نمودند. این قراردادها شامل بندی است که بموجب آن دولت عراق پایستی مخارج

مقامات ترکیه طی یک حرکت پرمخترانه و خطرناک، و در موافقت و همکاری (بدانگونه که در بغداد نیز اعلام شد) با رژیم صدام حسین، به عبور از مرزهای بین‌المللی کشور ما اقدام و به تجاوز خائنانه علیه جنبش میهنی عراق و گردان های جنبش ملی کرد در داخل خاک عراق دست یازید و بعد که آشکارا مغایر با حق حاکمیت کشور و دخالت مستقیم در امور داخلی مردم میهن ماست. منابع رسمی ترکیه، همزمان با یک تأییدیه از سوی رژیم عراق، اعلام نمودند که یک گردان از نیروهای ویژه ژاندارم، بالغ بر ۴۰۰۰ کماندو، از مرزهای ترکیه و عراق گذشته و بعقب ۳۰ کیلو متر در داخل خاک عراق، با هدف پاکسازی وحشیانه نیروهای مردمی در منطقه واقع در شرق مثلث مرزی ترکیه - عراق - سوریه، نفوذ کردند. این تجاوز آشکار در پی دیدار ژنرال " جان کیسی " رئیس ستاد ارتش آمریکا در رأس یک هیئت نظامی به ترکیه، عضو پیمان تجاویز ناتو، و تماس های مشکوک وی با فرماندهان نیروهای زمینی، هوایی و مرزبانان ترکیه صورت گرفت. همچنین این تجاوز در پی حمله " جنایتکارانه نیروهای " اتحادیه میهنی کردستان (PUK)؟

آقای نخست وزیر، آن اوج کجا و این حوضیض کجا؟

بقیه از صفحه ۶

رونالد ریگان رئیس‌جمهور ایالات متحد آمریکا عذر خواهی می‌شود، بلکه بیست و شش میلیون دلار نیز از کیسه " ناتوان مردم ستمدیده ایران و از " پترو دلار " ها به او غرامت پرداخت میشود و با این غرامت در واقع قیمت جاسوسانی از نوع امیرانتظام به امپریالیست آمریکا پرداخت میشود که سند جاسوسی او در جاسوسخانه آمریکا کشف شده بود!

اکنون نه تنها بند بند قانون اساسی بفراموشی سپرده شده است، بلکه سرمایه‌داران و مترجعین غارتگر با قانون شکنی های پی‌درپی در صدد دست بردن نهادهای اساسی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تغییر آن بِنفع سرمایه‌داری بزرگ وابسته به امپریالیسم جهانی است.

اینکه آقای میرحسین موسوی در مصاحبه خود با خبرنگاری جمهوری اسلامی " گسترش روابط (با کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی) " را تأیید میکند - که گسترش چنین روابطی بجز برپایه وابستگی نوع شاهنشاهی نمی‌تواند باشد - خود نشانه " بارزی از پایمال کردن قانون اساسی است. توسعه این روابط با غرب در انطباق کامل و منطقی است یا عدم اجرای اصلاحات ارضی انقلابی و بازپس گرفتن زمینهای داده شده به دهقانان، با قانون ضدکارگری توکلی و شرکا، با لغو یازرگانی خارجی دولتی، با بازگذاشتن دست غارتگران داخلی و حتی

جایزه دادن بآنها که همانند پورا استاد آهن خوار و خاموشی شیشه خوار به مسند و کالت قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران نیز انتخاب شده اند نادیده گرفتن این حقایق و رویدادها که از یکسو ماهیت اوج انقلاب و حرکت تعمیق آن، و از سوی دیگر حوضیض انقلاب و حرکت سازشکارانه در آنرا مشخص می‌سازد، و پایه و اساس تحلیل علمی و برخورد با موضع حاکمیت جمهوری اسلامی در مبارزه انقلابی در درون کشور و نیز موضع آن حاکمیت در مبارزه با لاند و مطلقاً علیه امپریالیسم و مبارزه در راه ترقی خواهی قرار می‌گیرد، سه میتواند برده استاتژوری مذاکرات واشنگتن و پاریس و لندن و پین و توکیو و در نتیجه " بروز انحراف " کشد، و نه میتواند حقایق مربوط به یورش به حزب توده، ایران را از سر دم انقلابی و همیشه در صحنه میهن ما و همه مردم شرافتمند جهان، مخفی نگاه دارد.

با توجه باین تحلیل است که آقای نخست وزیر نمیتواند حزب ما و " شرق " را به سرگیجگی متهم سازد، بلکه با سخنان فوق‌الذکر خود سند سردرگمی و تسلیم طلبی معاشاتگران را ارائه میدهد. برای مردم انقلابی ایران و برای همه مردم شرافتمند جهان پوشیده نیست که یورش به حزب توده، ایران که پیشاپیش همه نیروهای انقلابی پرچم مبارزه را در ایران بر روی دوش‌های خونین خود سرفراز و سر بلند میکند و خواهد کشید، یورش به قلب انقلاب ایران است.

بیکاری مزمن یک فاجعه ملی است

عات ۲۵ دیماه ۶۱) آیا بیکاری هم در قاموس "اسلام" قشریها، معنای ویژه‌ای دارد؟ بی‌کار، یعنی انسانی که امکان فروش نیروی کارش را برای تامین زندگی خود و خانواده‌اش ندارد و محکوم به گرسنگی و فقر و تنگدستی است. در حالیکه حتی روزنامه دولتی "اطلاعات" در شماره ۱۰ شهریورماه ۶۱، اعتراف می‌کند، که "هینولای بیکاری هنوز هم یکی از مهمترین معضلات کشور اسلامی ما را تشکیل می‌دهد".

وزیر کار در مقابل خبرنگاران خارجی به حربه رایج دروغ متوسل می‌شود. طبق آمار که گاه و بیگاه در رسانه‌های گروهی انتشار می‌یابد، پس از سرنگونی رژیم پهلوی بیش از ۱/۵ میلیون نفر بیکار در کشور وجود داشت که در سالهای بعد، تعداد آنها در نتیجه تعمیق بحران اقتصادی به ۳ تا ۴ میلیون نفر افزایش یافت. سران جمهوری اسلامی هم مانند اسلاف خویش برای اینکه در جامعه یأس و ناامیدی ایجاد نکنند از انتشار آمار رسمی تعداد بیکاران کشور امتناع می‌ورزند. ولی از اظهارات دست اندرکاران دولتی به آسانی می‌توان به عق این فاجعه ملی پی برد.

خانم اعظم طالقانی در جلسه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی اظهار داشت که "تا کنون دولت هیچ گونه برنامه‌ای جهت حل مشکل بیکاری ارائه نکرده است، در صورتیکه این سیل عظیم بیکاران خود نقش اساسی در تولیدات داخلی و اقتصاد دارند". آقای هاشم حجازی طی سخنرانی پیش از دستور در جلسه ۱۴ دیماه ۱۳۶۱ مجلس پیرامون دلسردی کارگران گفت: "مسئله‌ای که لازم است مطرح شود وجود بیکاران زیاد و نبود کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی در شهرهای آذربایجان و مواسات تولیدی در شهرهای آذربایجان است که موجبات بی‌ارزشی کار کارگران و مهاجرت آنها را به شهرهای صنعتی فراهم آورده است". بالاخره آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ششم اسفندماه سال گذشته، تعداد مستمندان نیازمند "کمک شرعی" یعنی صدقه را ۱۰ درصد جمعیت مردم تخمین زد. گرچه این رقم به مراتب کمتر از واقعیت موجود در جامعه است، با این همه گویای آن است که حداقل ۴ میلیون انسان در مرز مرگ و زندگی بسر می‌برند.

دولت هیچ گونه برنامه‌ای برای حل این مشکل عظیم ندارد

دولت جمهوری اسلامی از استخدام دهها هزار دیپلمه که در سرتاسر کشور سرگردانند امتناع می‌ورزد. پس از سرنگونی رژیم سابق، دولت بقیه در صفحه ۹

می‌گفتند "اعتصاب کارگران و کارمندان کارخانجات بزرگ و کوچک را در پیشبرد هدف ملت ایران"، نباید فراموش کرد؟ چرا پس از قبضه کردن حاکمیت، خواستهای برحق کارگران و دهقانان زحمتکش را بدست فراموشی سپردند؟ وقتی نیروهای ملی و مترقی خواهان تحولات بنیادی به سود مجرومان شدند و به حق خاطر نشان ساختند، که نوسازی جامعه بر اساس معیارها و ضوابط مترقی نباید به فردا موکول شود، یا چماق تکفیر اخلال در امر "تحقق اسلام" بسا آنها مقابله کردند. هیئت حاکمه برای رام کردن زحمتکشان سیاست تهدید و تحقیر در پیش گرفت. به کارگران گفتند، "هرکس بیشتر کاری کند بیشتر در عالم احترام دارد، پیش خدای تبارک و تعالی احترام دارد"، ولی عملاً بهره‌کشان و زالوهای اجتماعی را زیر چتر حمایت خود گرفتند. از کارگران خواستند به "حرف کسانیه" که می‌خواهند نگذارند این چرخها راه بیفتد "گوش ندهند، زیرا" آنها به شما علاقه ندارند، اسلام عزیز است که برای شما ارج قائل است و برای شما حق قائل است و حقوق شما را به شما رد نخواهد کرد". کی، چه وقت؟ پس از "تحقق اسلام" (اطلاعات ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸)!

معضل بیکاری مزمن

همه می‌دانند که یکی از معضلات اساسی در جامعه ما معضل بیکاری مزمن و فراگیر است. میلیونها انسان در جستجوی کار برای ارتزاق خود و خانواده، چگونه می‌توانند تا "تحقق اسلام" در انتظار باشند؟ وانگهی مگر "اسلامی" که هر روز بیشتر بر حاکمیت جمهوری اسلامی و عملکرد دولت آن مستولی می‌شود، خارج از چار چوب نظرات ارتجاعی وزیر کار و امور اجتماعی در مسائل کارگری است؟ آقای توکلی، که زمانی از چماق داران بنام کمیته بود و سپس به نمایندگی مجلس منصوب شد و بعدها در ازاء خوش خدمتی‌ها به مقام وزارت کار و امور اجتماعی ارتقاء مقام یافت، می‌گوید: "برخورداری از بیمه بازنشستگی، حق استفاده از مرخصی سالانه، دریافت حقوق مکفی، دریافت حق عائله مندی، برقراری یک روز تعطیل در هفته و غیره" باجگیری کارگران از کارفرمایان است (اطلاعات ۳۰ آبان ماه ۶۱).

پندار باطلی خواهد بود، اگر تصور شود که وی راساً مبتکر این گونه نظرات است. آقای توکلی و یارانش به اعتراف خود این گونه "موازین کارگری" را از موازین شرعی "اسلام" خود استخراج می‌کنند. نظر وزیر کار درباره بیکاری در ایران نیز دارای معنای خاصی است. مثلاً وی درباره معضل بیکاری اظهار داشت: "در جمهوری اسلامی ایران به آن معنا که در همه جا گفته می‌شود، بیکار پیدا نمی‌شود" (اطلا-

در کارزار تبلیغاتی عظیم و بی‌سابقه علیه حزب توده، ایران، که در آن اکثر سران جمهوری اسلامی از صدر تا ذیل، هریک بسه فراخور حال شرکت دارند، یکی از اتهامات بی‌شمار وارده به حزب توده، ایران "اخلال" در کارخانه‌ها است.

واژه‌های "اخلال" و "اخلالگر" واژه‌هایی ناآشنا در جامعه ما نیستند. پیش از نیم قرن پدر و پسر پهلوی، مدافعین زحمتکشان را "اخلالگر" نامیده و سرکوب می‌کردند. دهها هزار انسان در سراسر ایران به این بهانه به دست دژخیمان پدر و پسر پهلوی به هلاکت رسیدند.

ترس حیوانی رژیمهای دیکتاتور و خودکامه از حزب طبقه کارگر و جهان بینی آن در جوامع سرمایه‌داری کاملاً طبیعی و مفهوم است. زیرا رشد آگاهی طبقاتی و شعور سیاسی زحمتکشان با موجودیت رژیمهای خودکامه و استبدادی نسبت معکوس دارد. هر قدر زحمتکشان به منافع طبقاتی خود آگاهتر شوند و هر اندازه به رسالت تاریخی خود بیشتر پی‌برند، بهمان میزان پایه‌های حکومت استبدادی را متزلزلتر و ملاً پایان حاکمیت خودکامه را نزدیکتر خواهند کرد. این یک قانونمدی ناگزیر و اجتناب ناپذیر است.

حزب طبقه کارگر در درک منافع طبقاتی، در متبلور ساختن معنویات و آرمانهای طبقاتی کارگران و دیگر زحمتکشان نقش تعیین کننده دارد. بارشد کمی و کیفی طبقه کارگر این نقش بارزتر و عیان تر می‌گردد. ترس حیوانی رژیمهای خودکامه نیز از همینجا ناشی می‌شود.

در این ارتباط پرسشی به ذهن خطور می‌کند، که چرا سران جمهوری اسلامی ایران، مدعیان مبارزه علیه "مستکبرین" و "دفاع از" مستضعفین" و آنانی که شب و روز در کرنای تبلیغاتی "کسوخ نشینان علیه کاخ نشینان" می‌دمند و درباره نقش "پابرهنگها" و زافه نشینان در انقلاب، جبهه جنگ و پشت جبهه داستانها می‌سرایند، پا در جای پای پدر و پسر پهلوی می‌گذارند؟ واقعاً هم چرا؟ این سوال، امروز برای همه زحمتکشان مطرح است. آنها می‌پرسند: اگر آقایان در گفتار صادقانه علت از کارگران، دهقانان و حزب طبقه کارگر هراس دارند؟ بیش از چهار سال از پیروزی انقلاب و دو سال از حاکمیت کامل آنها می‌گذشت که خود را پیرو "خط امام" و متعهد به ولایت فقیه می‌دانند. در این چهار سال مسئولان و دولتمردان از محدوده شعار و وعده‌های بسی‌پشتوانه پا را فراتر نگذاشته‌اند. آیا آنچه را در هفته‌ها و ماههای نخست پس از پیروزی مطرح می‌کردند بخاطر ندارند؟ مگر همین آقایان نبودند که برای جلب حمایت زحمتکشان

بیکاری مزمن یک فاجعه ملی است

بقیه از صفحه ۸

از میان دهها هزار دیپلمه بیکار ۱۰ هزار نفر برای آموزش و پرورش به عنوان معلمان "چند پیشهای" انتخاب کرد. در زمان دولت رجایی تقاضای استخدام آنان در وزارت کشور مطرح گردید، ولی با مخالفت دولت روبرو شد. ۹۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ مجدداً لایحه‌ای در این زمینه به کمیسیون خدمات دولت دادند که آنهم به تصویب نرسید. سرانجام در وزارت کشور کمیسویی تشکیل شد و از اساتید اربها خواستند تا این آوارگان را به کار گیرند. پس از چانه زدنهای طولانی بالاخره، دولت هزار نفر از آنها را استخدام کرد. طبق نوشته جراید ۲۵۰۰ نفر از معلمان چند پیشهای به ناچار به گروه دستفروشان پیوستند و سرنوشت ۷۵۰۰ نفر دیگر به قضا و قدر سپرده شد. اگر لیسانسیه‌های بیکار را نیز که تعدادشان در کشور رو به فزونی است به شمار دیپلمه‌های سرگردان بیافزائیم، ژرفای تراژدی جوانان بیش از پیش برجسته خواهد شد. این فاجعه در جامعه‌ای روی می‌دهد که ۷۰ درصد از اهالی آن بی‌سوادند و کشور به دهها هزار آموزگار در سطوح مختلفه برای پایان دادن به یکی از مهمترین عوامل واپس ماندگی اجتماعی - اقتصادی نیاز دارد. فاجعه آمیز تر آنکه سران رژیم بجای سرو سامان دادن به اقتصاد کشور و جذب بیکاران به کار فعال، تقویت ارگانهای سرکوبگر را پیشه ساخته‌اند. در حالیکه میلیونها انسان در بیدارگی کار می‌گردند، مسئولان جمهوری اسلامی کمبود قاضی و حکام شرع در دادگاههای انقلاب را مهمترین معضل جامعه محرفی می‌کنند و می‌گویند: "ما کم داریم قاضی، آن مقداری که لازم داریم، کم است و اگر چنانچه در حبس‌ها از این منحرفین یا محتمل به انحرافها باشند و نتوانستند آنها را رسیدگی کنند برای کمبود قاضی است ۰۰۰" (اطلاعات، اول شهریورماه ۶۱).

هم اکنون هزاران کارگر و کارمند به اتهام "انحراف"، "اخلال" و یا حتی "محتمل به انحراف" در زندانها و شکنجهگاهها در بندند. کارگرانی که خواهان کار، بیمه‌های اجتماعی، حق تشکیل سندیکا، به رسمیت شناختن اعتصاب، بهبود شرایط کار و زندگی‌اند با برجستگی "توده‌ای"، "فدائی"، "منافق"، "منحرف" و "اخلالگر" روانه زندانها می‌شوند و ماهها و بعضاً سالها بدون تعیین تکلیف، بدون بازپرسی و دادرسی در فراموشخانه‌های رژیم باقی می‌مانند. سران جمهوری اسلامی سهلترین راه "مبارزه با بیکاری" را در ایجاد هر چه بیشتر زندانها، در تقویت دادگاههای انقلاب - انقلاب - می‌بینند و بجای برنامه ریزی به قصد تأمین کار برای بیکاران و برآوردن خواسته‌های برحق و عادلانه کارگران، برنامه‌های کوتاه و دراز مدت تربیبت حکام شرع و قاضی را با صرف میلیاردها ریال بودجه تنظیم و به موقع اجرا می‌گذارند. اخراج مستمر کارگران شاغل، در مواقعی حتی بدون پرداخت

حق بازنشستگی و غیره، یکی از شیوه‌های رایج در حاکمیت راستگرایان قشری، به قصد "صرفه جویی" برای تأمین هزینه‌های کمر شکن "نیاید های انقلابی" و از آنجمله "دادگاههای انقلاب" و "ارگانهای عدیده سرکوبگر است". ۱۱ آذر ۱۳۶۱، سازمان گوشت اعلام کرد که بزودی کشتارگاه تهران تعطیل خواهد شد. تعطیل کشتارگاه به معنای اخراج هزاران نفر از کارگران آن موسسه است. کارگران کشتارگاه در نامه‌ای که به مطبوعات ارسال کردند، نوشتند: "ما - لپاست با تحمل عوارض ناشی از کار طاقت فرسا با داشتن ۲۰ تا ۵۰ سال سابقه به کار مشغول شدیم و با داشتن ۷۰ سال سن و ۵۰ سال سابقه کار فقط ۳ تا حداکثر ۱۲ سال سابقه بیمه دارند. آیا مسئولین دولت که برنامه تعطیل کشتارگاه را تهیه دیدمانده، فکری درباره سرنوشت فلاکتبار ۱۵ هزار نفر کارگر و اعضای خانواده آنها کردماند؟

چندی پیش پرستاران و کمک بهیاران بیمارستان با هنر در نامه‌ای نوشتند که اخیراً مسئولین بیمارستان در صد حق شب کاری پرستاران را قطع کرده و اخراج عده‌ای از کمک بهیاران با سابقه را نیز در رأس برنامه کار خود قرار دادماند. آقای محمود مجد که برای رسیدگی به تخلفات مأمورین دولتی به استان خوزستان رفته بود، در گفتگویی با خبرنگار اطلاعات، اظهار داشت: "اکثر شکایاتی که بدست ما می‌رسد، در مورد اخراج کارگران از قبیل اخراج ۹۰۰۰ کارگر و دیگر پرسنل از صنایع فولاد و یا اخراج ۱۰۰۰ تا ۱۸۰۰ نفر از کارگران کارخانه طرح خانه سازی است" (اطلاعات، ۵ اسفندماه ۶۱). هنگامی که مسئولان جمهوری اسلامی با بیوق و کرنا وعده مسکن به میلیونها ایرانی بی‌خانمان می‌دهند، اخراج دسته جمعی کارگران کارخانه طرح خانه سازی را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ آیا اینگونه اعمال نشانگر آن نیست که بین گفتار و کردار سران حاکمیت فاصله از زمین تا آسمان است؟ فاجعه مجتمع فولاد اهواز سند گویای دیگری از سیاست ضد کارگری عناصر هوادار سرمایه‌داری در حاکمیت جمهوری اسلامی است. اخراج کارگران در این مجتمع، نخست با زدن برجسب‌های "توده‌ای" منافق و "اخلالگر" آغاز و سپس شامل همه کارگران گردید. در جزوه‌ای منتشره از سوی "انجمن اسلامی فولاد"، تحت عنوان "نگاهی به مجتمع فولاد اهواز از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۲۲ بهمن ۶۰" ماجرای این تراژدی بی‌سابقه به تفصیل آمده است. در این جزوه گفته می‌شود که حتی پس از اخراج کارگران وابسته به نیروهای چپ روند اخراج جمعی پایان نیافت. مسئولین مجتمع کارگران را "مزاحم و زیادتی" شمرده و از آذرماه ۱۳۶۰، با استفاده از ماده ۳۳ قانون کار به ارت رسیده از رژیم شاه و به بهانه "تخیر نظام کاری" اقدام به اخراج ۷۰۰۰ نفر دیگر از کارگران کردند. در جزوه نامبرده آمده

است که اخراج دسته جمعی کارگران طبق اطلاعیه دولت مبنی بر تعطیل کارگاهها در مناطق جنگی، صورت گرفت. ۷۰۰۰۰ کارگر اخراجی کارگران پیمانکار بودند. علاوه بر این ۶۰۰ نفر از کارکنان رسمی مجتمع فولاد اهواز را نیز "مازاد" اعلام کرده و مشمول باز خرید خدمت نمودند. تنظیم کنندگان جزوه خاطر نشان می‌سازند: "جرم" ۸۰ نفر از کارگران اخراجی این بود که آنها می‌گفتند: جمهوری اسلامی قادر نیست به نیازهای برحق مستضعفین پاسخ مثبت دهد. اخراج های دسته جمعی بعدی حقانیت این کارگران را بار دیگر به ثبوت رساند.

در پی انتشار جزوه "انجمن اسلامی فولاد"، روابط عمومی مجتمع فولاد اهواز نامه بلند بالائی در روزنامه "اطلاعات" مورخ ۲۵ اردیبهشت ماه سال جاری منتشر ساخت که می‌توان آنرا سند محکومیت رژیم نامید. مؤلفین نامه در توجیه غلبه اخراج هزاران کارگر می‌نویسند: گویا نیروهای چپ، مجتمع فولاد را "در دست حکم خود می‌دانستند، ضمناً با توجه به جو سیاسی در آن زمان هیچ يك از مسئولین وقت قادر به حل مشکلات و معضلات آن نبودند."

مشکلات و معضلات یاد شده در نامه، مقابله و مت کارگران در مقابل توطئه‌های ضد انقلاب در مدیریت مجتمع فولاد اهواز بود. و اما مقصود از "جو سیاسی آن زمان"، مراعات آزادیهای دمکراتیک در فروردین ماه ۱۳۵۸ است. دورانی که هنوز آزادیهای دمکراتیک ذبح شرعی نشده بود و کارگران می‌توانستند از منافع خود دفاع کنند. ناگفته نماند که تا آذرماه ۱۳۶۰، یعنی آغاز روند پایان هرگونه آزادی در ایران، کارگران موفق به عقیم گذاردن نقشه شیطانیه ضد انقلاب گردیدند.

پس از آذرماه ۱۳۶۰ و تثبیت تدریجی نیروهای راستگرا و هوادار کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی، جسای پای ضد انقلاب هم در مدیریت مجتمع فولاد اهواز محکم شد. از آن تاریخ برنامه ضد کارگری با تکیه بر ارگانهای سرکوبگر جامعه عمل پوشید. در نامه روابط عمومی درباره "سیاست نوین" مدیریت گفته می‌شود: "در ایام برنامه ریزی، مدیریت مجتمع که ۰۰۰ نمی‌خواست تن به روش دولت سالاری شرق بدهد و بیش از ۷ هزار نفر را بر دوش دولت تحمیل نماید به دنبال نظام جدید کاری بهم از قانون اساسی می‌گشت، به نحوی که انگیزه‌های درونی داشته و براساس شعار نه شرقی و نه غربی استوار باشد."

استدلال مطروحه در نامه تازگی ندارد و مفهومی آن شعار "سپردن کار مردم به مردم" و یا به دیگر سخن "سپردن کار مردم به سرمایه‌داران" است که اینک در قالب "شرکتهای تعاونی پیمانکاران" نظاهر می‌کند. رد به اصطلاح "دولت سالاری، شرقی" تکرار تئوری سرمایه - داری دایره نفی دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی و انکار نقش تعیین کننده بخش دولتی است. این نظریه ارتجاعی، هم

"پنتاگون"، منبع قابل اعتماد روزنامه جمهوری اسلامی؟!

روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۸ فروردین ۶۲ صفحه "سیاسی" خود را به بررسی مسائل مربوط به سابقه تسلیحاتی اتی و به اصطلاح مقایسه حجم ذخائر هسته‌ای "دو ابر قدرت" یعنی آمریکا و "روس" اختصاص داده است.

قبل از بررسی مطالب مندرج، لازم به یاد آوریم، که امروزه پرداختن به مسئله صلح جهانی و دفاع از آن در مقابل سیاست تسلیحاتی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا که با ایجاد تشنج بین‌المللی هدف دستیابی به برتری نظامی را دنبال می‌کند، مهمترین و محوری‌ترین وظیفه تمام بشریت مترقی است، چرا که عدم حفظ صلح جهانی و بروز یک فاجعه هسته‌ای، بخودی خود بمعنی فناى مجموعه تمدن بشری است.

جهان امروز شاهد آنست که محافل هار سرمایه انحصاری ایالات متحده آمریکا، با دامن زدن به تشنج بین‌المللی، میدان در کوره جنگ سرد، بسر پا کردن جنگهای منطقه‌ای، ایجاد نیروهای تجاوز سریع، تاسیس پایگاه‌های نظامی در اقصی نقاط جهان، بالا بردن سرسام آور هزینه‌های تسلیحاتی خود و کوشش برای تحویل دور تازه‌ای از سابقه تسلیحاتی به اردوگاه صلحدست و صلح طلب سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، صفحه تازه‌ای در تاریخ سوداگری و تجاوز گشود هاند.

این سیاست ناشی از ماهیت تجاوزکارانه امپریالیسم و فراسیدن بحران ادواری تازه جهان سرمایه است که با تورم، بیکاری، فقر و فلاکت و هزاران نکبت دیگر همراه می‌باشد و تمام ارکان این نظام غارتگر را به لرزه در آورده است. ما در ضمن بطور همزمان شاهد رشد بیسابقه جنبش صلح در کشورها پیشرفته سرمایه‌داری هستیم که خود حساکی از

بیداری مردم این کشورها و شناخت روزافزون آنها از سیاست جنگ افروزانه و صلح ستیز محافل هار امپریالیسم جهانی و خصوصا کابینه جدید کلاخ سفید واشنگتن است.

درست در شرایطی که میلیونها نفر از مردم جهان علیه این سیاست سوداگرانه امپریالیسم و باشخارها "هیچ چیز مهمتر از صلح نیست"، "موشکهای جدید آمریکائی نباید در اروپای غربی مستقر شود" و "به سابقه تسلیحاتی باید خاتمه داده شود"، خیابانها را به صحنه تظاهرات پرشور برای حفظ صلح و دریدن ماسک تزویر جنگ طلبان امپریالیستی بدل کرده‌اند، روزنامه جمهوری اسلامی به پیروی از سیاست "نه شرقی، نه غربی" خود، ضمن یادآوری ناقص و فهرست وار تاریخچه سابقه تسلیحاتی اتی، سعی بر این دارد که با مغشوب کردن مسائل مربوطه، هر "دو ابر قدرت" را سئو و وضعیت مخاطره آمیز کنونی و خطر ایجاد تصادم هسته‌ای معرفی نماید.

این کوشش تب‌آلود روزنامه جمهوری اسلامی، البته ناموفق می‌ماند، چرا که مقاله تمام ادعاها و "اطلاعات" خود را بر پایه داده های امپریالیستی استوار نموده است. لذا آنچه که باقی مانده چیزی نیست جز توجیه سیاست تسلیحاتی امپریالیسم آمریکا و دامن زدن به تبلیغات مسموم امپریالیسم خبری، مبنی بر "خطر شوروی"!

تهیه کننده مقاله کوشش میکند، با کمک جدولسی ضمن مقایسه ذخائر هسته‌ای "دو ابر قدرت"، به خواننده اینطور القا نماید که "روس" دارای بیشترین سلاحهای اتی و پر حجم ترین بارهستهای می‌باشد و به همین دلیل سیاست فوق تسلیحاتی "ابر قدرت غرب" چیزی نیست جز برای برقراری

تناسب قوا و آمادگی مقابله با "خطر شرق" ! و این ادعا در بهترین حالت خود با دعاوی امروزه سوداگران کمپلکس نظامی صنعتی ایالات متحده آمریکا هیچ تفاوتی ندارد.

ولی مسئله به اینجا هم ختم نمی‌شود، زیرا نه تنها مطالب با کمال پرروئی، منابعی را که جسد اول مربوطه را از آن استخراج نموده، بعنوان منابع "قابل اعتماد" معرفی می‌کند، تا خیال خواننده را در مورد اینکه مبادا این ارقام را مورد تردید قرار دهد، راحت کند!

حال ببینیم این منابع "قابل اعتماد" کدام است: "موسسه تحقیقات استراتژیک لندن"، "موسسه پژوهش صلح استیکلم"، "مرکز اطلاعات دفاعی آمریکا" و همچنین "اداره دفاع آمریکا"، یعنی درست یکی از نهاد های وابسته به پنتاگون!

اینجاست که خواننده هرچقدر هم به خلوص نیست گرد آورنده مطالب باور داشته باشد، بی اختیار بیاد کلاهی ها و کشمیری های مطبوعاتی می‌افتد که از قضا این روزها با شدت و حدت بیشتری در روزنامه های "مجاز" ایران مشغول قلم زنی هستند.

اینکه امپریالیسم آمریکا هزینه‌های تسلیحاتی خود را دائما افزایش می‌دهد، اینکه امپریالیسم آمریکا می‌خواهد موشکهای جدید اتی میان برد را در اروپای غربی مستقر سازد، اینکه امپریالیسم آمریکا سپاه تجاوز سریع خود را در خلیج فارس و اقیانوس هند مستقر ساخته، اینکه امپریالیسم آمریکا ژیمهای شبه فاشیستی آمریکای مرکزی و لاتین را تا دندان مسلح و به خونریزی تشویق میکند، اینکه امپریالیسم آمریکا به پایگاه‌های نظامی خود در کره جنوبی و فیلیپین و دیه گوگاریا و کشورهای "اسلامی" مانند ترکیه و مصر و سومالی می‌افزاید و اینکه امپریالیسم آمریکا با مخارج نجومی تدارک تهیه سلاحهای فوق مدرن استراتژیک را برای وارد آوردن "ضربه اتی نخستین" می‌بیند، نه بخاطر خصلت تجاوزکارانه و جهانخوارانه‌اش، بلکه برزعم روزنامه نوس جمهوری اسلامی برای مقابله باخطر "روس" است!

راستی آیا بهتر از این می‌توان با بلندگوهای امپریالیسم جهانی همداد شد و به چشم خواننده روزنامه خاک پاشید؟ مردم مبین انقلابی ما را، که در همین چهار سال پس از انقلاب به اندازه کافی کسب تجربه کرده و به ماهیت امپریالیسم آمریکا پی برده‌اند، نمی‌توان بدینصورت بسه گمراهی کشاند. مردم با پوست و گوشت خود خصلت دد منشانه امپریالیسم آمریکا را لمس کرده‌اند و بی دلیل نیست که شعارهایی چون "آمریکا، آمریکا، ننگ به نیرنگ تو - خون شهیدان ما می‌چکد از جنگ تو"، از بطن تظاهرات پرشکوه اعتراضی آنها تبلور یافته است.

در خاتمه این سؤال بجا باقی می‌ماند که منابع امپریالیستی، مورد اعتماد چه کسانی در هیئت تحریریه روزنامه جمهوری اسلامی هستند؟ و آیا این اعتماد متقابل نیست و آنها مشغول "منسی" کردن شعار "مرگ بر آمریکا" نمی‌باشند؟

حزب توده ایران به انترناسیونالیسم

بقیه از صفحه ۲

جهان، مبارزه علیه سیاست‌های جنگ افروزانه و تجاوزکارانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و بخاطر حفظ صلح بسیج نماید، و در راه تأمین وحدت تمام گردانهای انقلابی کشور خود و جهان همت ورزد.

حزب توده ایران در این راه قدم‌های جدی برداشته و بدین خاطر نیز مورد غضب امپریالیسم و عمال آگاه و نادان آن قرار گرفته است.

حزب توده ایران اولین باری نیست که مورد اتهامات ناروای "وابستگی و عدم استقلال" واقع میشود، تا غارتگران و چپا لگران خلق بر جامعه حاکم باشند؛ این اتهامات ادامه خواهد یافت.

حزب توده ایران جزئی است انترناسیونالیست و به این خصلت خود که مورد احترام تمام خانواده احزاب کمونیستی و کارگری است، افتخار میکند و علیرغم هر افزایش هر قدر هم ردیلاته، اوپاشانه و موی پانه باشد در پای نیز از آن نخواهد کاست.

هستیم و خواهیم بود که بدون دوستی با آن، بدون ایجاد روابط گسترده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با این اردوگاه نه میتوان از تحمیل انقلاب حرف زد و نه از استقلال واقعی؛ چه رسد به جنگ انداختن به صورت آن وارد شدن در کارزار جهانی ضد شوروی و ضد کمونیستی. تجربه نشان داده است که پافشاری و پیگیری در سیاست شوروی ستیزی، روند نزدیکی به امپریالیسم را تشدید و آنرا محتوم میکند و این نه تنها در مورد نیروهای صدق میکند که نمایندگانش را بینا ببینی هستند، بلکه حتی احزاب کارگری نیز که خواستند با انتقاد از اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی خود را مقبول محافل امپریالیستی غرب سازند بالاخره سر از منجلاب خیانت به جنبش کارگری و نزدیکی به امپریالیسم در آورد هاند.

توان یک حزب مدافع زحمتکشان در آنست که تمام نیروهای داخلی را از یک سو در راه تأمین منافع خلق و زحمتکشان کشور خود بسیج کند و از طرف دیگر آنها را فعالانه در مبارزه ضد امپریالیستی

● ● ●

به یاد روز بزرگ‌ها



بداند سناریوی کهنه و بوی تعفن گرفته اف.بی. آی و پنتاگون را. بار دیگر از قفسه بیرون کشیده تا خیمه شب بازی‌اش را برای صحنه تمرین کند، تا کسانی را که خود هر ساله یاد روز بزرگ‌ها را برای ایرانیان مرفقی زنده نگاه می‌داشتند، بسر صدلی اتهام آنان بنشانند.

زهی پندار با فسی! روز بزرگ‌ها زنده‌اند. آن‌ها در قلب و روح میلیون‌ها انسان ارد و گاه صلح و برادری زنده‌اند. همچنانکه نام کیانوری‌ها، مریخ‌پروازها، طبری‌ها و دیگران در کنسار روزیه‌ها، از هم اکنون در تاریخ ایران جاودان شده است.

برابر د و انسان کمونیست، این چنین د چسار هیستری شد؟ پاسخ را می‌توان در عبارات خود جولیبوس روز بزرگ، د ریگی از آخرین نامه‌هایش از زندان، دریافت: " امروز بر همه روشن است که تشنج بین‌المللی و خطر جنگ جهانی سوم بر همه جا سایه انداخته، د ر داخل کشور، موازی با اقدامات سیاست خارجی، بر ضد ائتلاف کارگران، کشاورزان و افراد مرفقی که گرد برنامه روزولت جمع شد ماند حمله و وسیعی آغاز شسبده است. د ر ابتدا هدف کمونیست‌ها بود نسد. سپس به سرعت همه آن کسانی که حاضر نشدند به این سیاست‌ها گردن بنهند، هدف تهدید، بر حسب زنی، ترور شخصیت، بی‌خانمانی، استشهادهای ابراز انزجار، پیگرد و زندان قرار گرفتند. ترس ایزاری است که بر علیه همه دگراندیشان به کار گرفته می‌شود. برای تأثیر بیشتر و برای آنکه همه مخالفان سیاست جنگ افروزی در خارج و دولت پلیسی در داخل را به سکوت بکشانند، می‌باید لزوما یک نوع حلقه رابط، ولو فقط بناظر مقاصد تبلیغاتی از روسیه - جاسوس - کمونیست " سرهم‌کنند". و این واژه‌های کهنه امروز برای ما چه آشنا است؟ توطئه... روسیه، جاسوس، کمونیست، توده‌ای، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌آنکه خود

درست سی سال پیش در چنین هفته‌های (۱۹ ژوئن ۱۹۵۳)، د وانسان شریف، اتل و جولیبوس روز بزرگ، بوسیله، د دولت آمریکا به جنرم " جاسوسی " و " گذاشتن اسرار نظامی در اختیار شوروی " به صدلی الکتریکی سپرده شدند. در فضای سیاسی مسموم جنگ سرد و شوروی سنیزی، د وانسان بیگناه، د ودگرداندیش از جانب پاسداران نظام سرمایه، " توطئه گر " شناخته شده، متمم شدند که " اطلاعات نظامی مربوط به طرح بمب اتمی " در اختیار شوروی قرار داده بودند.

در دادگاه هیچ مدرکی ارائه نشد. تنها چهار " شاهد " سردرگم که روزها بوسیله اف.بی. آی تعلیم دیده شده بودند، " دلیل " وقوع جرم بودند. قاضی دادگاه " ایرونیگ کافمن " - چنانکه سالها بعد روشن شد - آن روزها، چه قبل و چه در طی محاکمه با اف.بی. آی مشورت می‌کرده و از قبل رأی خود را داده بود. اف.بی. آی، با همکاری " سیسا "، کمیسیون انرژی اتمی، پنتاگون و کاخ سفید، با هم صدائی مطبوعات مجاز، توطئه خود را بر علیه جان د وانسان که تنها " جرم " شان هوادای از حزب کمونیست آمریکا بود، کامل کردند. چرا؟ چرا امپریالیسم قدر قدرت آمریکا در

گسترش همبستگی بین‌المللی...

بقیه از صفحه ۱۵ ساخته، یادآور شده است که اتهامات وارده علیه حزب هنگی بی‌اساس و حزب پس از سرنگونی رژیم شاه نیز هواره مدافع استقلال کشور بود است.

کنگره خواستار آزادی فوری رهبران و اعضای حزب توده ایران و رفع تعصیب از حزب گردیده است.

لندن - در تاریخ ۱۱ ژوئن ۱۹۸۳ اجلسای بناسبت همبستگی با مردم سودان از طرف " انجمن سودانیان مرفقی " در بریتانیا برگزار گردید. در این جلسه که نمایندگان بسیاری از گروهها و سازمانهای مرفقی از جمله سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (اودیسی) شرکت داشتند نماینده اودیسی ضمن ابراز همبستگی بین مردم ایران و سودان تحلیلی از اوضاع اخیر ایران ارائه کرد. وی در قسمتی از سخنان خود گفت: مردم ایران با آگاهی و تجربه‌ای که در اثر انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی بدست آورده‌اند اجازه نخواهند داد تا کشورشان بار دیگر بدست امپریالیسم و عمال داخلیش بیفتد. در پایان این جلسه قطعنامه‌ای در اعتراض به دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران و سایر شخصیتهای دمکراتیک در ایران به تصویب رسید. و آزادی فوری این زندانیان خواسته شد.

بیکاری مزمن یک فاجعه ملی است

بقیه از صفحه ۹

دولت و بجای رزاق محسوب کردن دولت " تو- صیف می‌کند.

روند اخراج کارگران از کارگاههای خصوصی و موسسات دولتی همچنان ادامه دارد. ۲۸ فروردین ماه سال جاری آقای احمد سیسا - هیوش معاون نظارت بر روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی در گفتگویی با خبرنگار " اطلاعات " اظهار داشت: " توصیه‌ای به مدیران و کارفرما - یان مختلف دارم، سعی کنند، در این مدتی که هنوز قانون کار جدید، تهیه و تصویب نشده حتی الامکان از اخراجهای بی‌رویه و غیر اصولی خودداری کنند... مگر آن مواقع نادری که هیچ علاجی برای حل آن نیست. اما متأسفانه می‌بینیم که خیلی از این اخراجها روی اصول نیست... آقای سیسا هیوش در نظامی که گردانندگان مدعی نفی ایدئولوژی و فلسفه سرمایه‌داری ساخته و پرداخته غرب‌اند، از سرما - یعداران محترم تمنا می‌کند " حتی الامکان " از اخراجهای بی‌رویه و غیر اصولی " اجتناب ورزند. آیا اخراج با رویه و اصولی نیز وجود دارد؟ اخراج از کار، یعنی محکوم کردن انسان‌ها به بیکاری، به گرسنگی، به فقر، یعنی قرار گرفتن در صف واحدی با کارفرمایان و سرمایه‌داران محصول نظام منحط سرمایه‌داری علیه کارگران.

اکنون در ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته صنعتی که دولت‌های محافظه کار زمام امور را در دست دارند، از او - لویت خاص برخوردار است. بنابراین، مدیریت مجتمع فولاد اهواز بی‌جهت می‌کوشد تا بيسک اصل سرمایه‌داری و غربی را در پوشش شعار به اصطلاح نه شرقی، نه غربی عرضه دارد. جازدن قوانین حاکم در نظام سرمایه‌داری بنام " احاد - یث نبوی و احادیث ماثوره از ائمه " و روایست و فقه اسلامی، اوج سالوسی مدعیان " اسلام " را بر ملا می‌سازد. مدیریت مجتمع فولاد اهواز با طرح مسئله " صرفه‌جویی " قباحت عمل خود را بیش از پیش عیان می‌سازد. تنظیم‌کنندگان نامه می‌کوشند ثابت کنند، گویا با اخراج دسته جمعی کارگران و سپردن کار به شرکت‌های تعاونی پیمانکاران، توانستند میلیارد ها ریال صرفه‌جویی کنند. صرفه‌جویی به حساب چه کسانی و به سود که؟ به حساب دریدری، سرگردانی، فلاکت و بدبختی ۹۰۰۰ کارگر و خانواده آنان و به سود پیمانکاران گرد آمده زیر چتر " تعاون اسلامی " روابط عمومی مجتمع فولاد اهواز بدون ذره‌ای شرم " نظام جدید کاری " و در واقع " نظام نویسن ضد کارگری " را، " منگی شدن افراد به توانا - ثبهای خویش یا توکل بر خدا بجای انکاء بسر

در هفته ای که گذشت:

روزنامه جمهوری اسلامی چهره تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکاراپنهان می کند

تشدید سیاست نظامیگری امپریالیسم آمریکا و تلاش هارترین محافظ آن برای دستیابی به پایگاههای نظامی جدید و سرهم کردن پیمانهای نظامی و احیای پیمانهای دین شد هاز تقبیلی پیمان سنتو، یکی از اجزای استراتژی کنونی امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه است. حضور ارتش تجاوز سریع در منطقه بخش دیگری از سیاست امپریالیسم هار آمریکا را در این منطقه تشکیل میدهد.

"شورای همکاریهای خلیج" که به تجویز امپریالیسم آمریکا برای مقابله با انقلاب ایران، با مشارکت عربستان سعودی و دیگر کشورهای مرتجع منطقه تشکیل شد، در طول جنگ تجاوزی تحمیلی عراق علیه ایران، به رژیم دیکتاتوری پخداد کک های مالی کلانی کرده است. این شورا اکنون به تأسی از امپریالیسم آمریکا، و برای کمک به سرکوب جنبشهای رهایی بخش منطقه دست به ایجاد سپاه واکنش سریع زده است.

روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۳۲ اخرداد خود بدون اینکه اشاره ای به ماهیت و علل واقعی تشکیل سپاه تجاوزی بکند، در کمال خونسردی خبر از تشکیل آن میدهد. بر کسی پوشیده نیست که هدف از ایجاد چنین سپاه تجاوزگری چیزی جز تأمین منافع حیاتی امپریالیسم آمریکا و حراست از تختهای لرزان مرتجعین منطقه نیست.

ما اینجا عین خبر را نقل می کنیم:

"خبرگزاری جمهوری اسلامی - شیخ سالم الصباح وزیر دفاع کویت دیروز گفت شورای همکاری خلیج فارس به منظور دفع هرگونه حمله خارجی به کشورهای عضو این شورا یک نیروی واکنش سریع تشکیل خواهد داد."

روزنامه جمهوری اسلامی با چه تردستی قابل تحسینی سعی در پنهان داشتن چهره تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و کوشش آن برای دوباره زنده کردن پیمان تجاوزی سنتو دارد. این سیاست همان سیاستی است که از طریق راستگرایان حاکم در جمهوری اسلامی مدتهاست جهت بفراموشی سپردن نوظهورهای امپریالیسم آمریکا بکار میرود. این سیاست همان سیاستی است که وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز با بیانیه خود به مناسبت تجاوز آمریکایی رژیم نظامی ترکیه به خاک عراق و کشتار میهن پرستان کرد و سایر نیروهای انقلابی عراق، دنبال می کند. در این بیانیه وزارت امور خارجه ایران بطور ضمنی با طرح مسئله به ایضورت که گویا علت

ورود ارتش ترکیه به عراق، ضعف رژیم عراق است، و نه ماهیت تجاوز گرانه امپریالیسم آمریکا و پیمان ناتو، بر این تجاوز مهر تأیید میگذارد.

آن روی سکه "سیاست همسوئی" با اهداف امپریالیسم در منطقه

در انطباق قانونمند با این سیاست همسوئی با اهداف نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بیانیه دیگری در مورد آغاز دور سوم مذاکرات بین دولت پاکستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در ژنو، درباره مسائل پیرامون افغانستان، انتشار داده است. این بیانیه حق حاکمیت کشور همسایه و دوست مردم ما افغانستان را که در سایه انقلاب شور به دستاورد های بزرگی نائل آمده، زیر پا گذاشته، با لحن امپریالیسم پسند خود، سرنگونی رژیم انقلابی و مردمی افغانستان را بکمک کلیه اقشار مسلمان و مجاهد افغانی، بدون توجه به اختلافات مذهبی، قومی، گروهی خواستار می شود. این برادران "مجاهد" و مسلمانان "انقلابی" همانهایی اند که روزی "شرفیاب" حضور ریگان، تاجر، کهل و غیره شدند. این "مجاهدان" و مسلمانان "انقلابی" همانهایی اند که به "لطف" قطب زاده معدوم، در کنار هیئت ایرانی به جلسه کنفرانس کشورهای اسلامی در اسلام آباد، راه یافتند.

آیا این استبداد نیست؟

آقای رئیس جمهور در خطبه اول نماز جمعه هفته گذشته می گوید:

"در طول تاریخ غالب حکومتهایی که بنام حکومت دین وجود پیدا کرده اند، تا آنجا که در تاریخ از آن نشانی هست، حکومتهای استبدادی بوده اند که مردم و افکار مردم را در آنها راهی نبوده است."

اگر از حکومت چند ساله کوتاه صدر اسلام بگذریم که در آن حضور مردم و رأی مردم کاملاً محسوس است، حکومتهای مسلمان نام در آن چند صد ساله، خلافت اسلامی از جمله همین حکومتهاست.

حکومتهای مسیحی دوران قرون وسطی که در آن حاکمیت روحانیون مسیحی و حاکمیت مسیحیت مشهود و محسوس بوده است، جزو استبدادیترین حکومتهاست هستند که تاریخ به یاد دارد.

همیشه حکومت الهی بهانه ای بوده است برای اینکه حاکمان رأی مردم را نادیده بگیرند و به آن اعتنا نکنند.

در صدر اسلام بعد از حکومت چند ساله پیغمبر (ص) و بعد از پیغمبر (ص) که در آن حضور مردم، محسوس بود، خلفای بنی امیه بنام خلافت

پیغمبر یعنی حکومت اسلامی سخت ترین و سیاه ترین حکومتهای استبدادی را بر جامعه تحمیل کردند.

عبد الملک مروان که یکی از خلفای معسوف بنی امیه است و از جمله کسانی است که قبل از اینکه به خلافت برسد معروف به تقدس و انس با قرآن بود بعد اینکه به خلافت رسید، با اوضاعی که آنروز در جامعه اسلامی وجود داشت احساس کرد که نمی تواند بدون استبداد و دیکتاتوری حکومت خود را ادامه بدهد. لذا یک روز بر منبر خطاب به مردم گفت که دیگر کسی حق ندارد به او نسبت به امور دینی تذکری بدهد و گفت: "هیچکس مرا امر به تقوی نمیکند مگر آنکه کردن او را می زنم". تهدید به قتل کرد. این به معنای آن است که مردم در یک حکومت دیکتاتوری علی الظاهر مذهبی قدرت بیان حتی تقوای الهی و امر به تقوی را هم ندارند.

حکومتهای مسیحی اروپا و روم در قسرون وسطی یک چنین حکومتهایی بودند. ماجرای دانشمندان و مکتشفین بزرگ عالم را شنیده اید که چگونه وقتی فکر آنها را با آراء و افکار کلیسائی، مخالف در می آمد بوسیله کلیسائیان محکوم به اعدام می شدند. کالیله را محکوم می کنند. آن کسانی را که درباره افلاک و آسمانها زمین و بقیه پدیده های طبیعی رأی علمی ابراز کرده اند محکوم به مرگ می کنند، بعضی را می سوزانند، بعضی را دچار شکنجه و تعذیب میکنند، یک چنین وضعیتی در همین اواخر هم آن کسانی که در کشور خود ما می خواستند حکومت استبدادی بسراه بیندازند، این حکومت را با ویژگیهای مذهبی به زور سعی می کردند آراسته کنند.

اعترافات آقای رئیس جمهوری اسلامی ایران، به چند علت اعترافات جالبی است:

اول اینکه بیکار دیگر تأییدی است بر این نظر حزب ما: که قرن ها دو "حکومت دین" رود روی هم قرار داشته اند و اکنون هم دارند؛ یکی "حکومت دین" استعمارگران و غاصبان که آقای رئیس جمهور آن را خلافت صد مردمی و استبدادی بنی امیه می نامد و دیگری "حکومت دینی" که در صدر اسلام حاکم بوده است. این حکم در شرایط کنونی میهن ما نیز صادق است. از بد و انقلاب، دو خط در مقابل هم قد علم کردند: خط راستگرایان و خط مردمی طرفداران انقلاب. نبردهای که به مدت چهار سال میان این دو خط بطول انجامید، با پیروزی خط راستگرایان خاتمه یافت.

اعتراف دیگر آقای رئیس جمهور، مربوط به رفتار بربرمنشانه "حکومت های مسیحی" دانشمندان است که وقتی فکر آنها با آراء و افکار کلیسائی مخالف در می آمد بوسیله کلیسائیان محکوم به اعدام میشدند.

آقای رئیس جمهور اکنون بیاید به جمهوری اسلامی ایران بنگرید! بنگرید به رفتار این "حکومت دین" نسبت به کسانی که فکرشان با آراء و افکار راستگرایان بقدرت نشسته و تسلیم طلبان مطیع آنان، مخالف در می آید!

آقای رئیس جمهور، بیاید به تاریخ حکومت های بقیه در صفحه ۱۳

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
دینی "گذشته - اعم از اسلامی و مسیحی - بنگرید و به مردم انقلابی ایران اعلام کنید که فرق میان "حکومت دینی" که گالیله را به "جرم" قهرش، بزور شکنجه‌های قرون وسطائی به "اعتراف" واداشته و جور دانو بیوتورا نیز به همان "جرم" زنده زنده در آتش سوزاند، با "حکومت دینی" که دانشمندان و شخصیت‌های برجسته امروز میهن ما را به جرم داشتن عقاید علمی و انقلابی و دفاع از استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی در زیر شکنجه‌های بهیمی قرون وسطائی وادار به "اعتراف" کرده و به شهادت میرساند، در چیست؟

آقای رئیس‌جمهور به مردم انقلابی ایران اعلام کنید که فرق بین عبدالمکرم مروان خلیفه معروف "حکومت دین" بنی‌امیه که به مخالفان خود در صورت اعتراض و انتقاد "عده" مرگ میداد، با "حکومت دینی" که رهبری آن مخالفان را در صورت اعتراض و انتقاد، به "جرم" طرفداری از علم و ترقی در سیاهچال‌ها، تحت طاقت فرساترین فشارهای روحی و جسمی قرار می‌دهسد، در چیست؟

آقای رئیس‌جمهور، برای یافتن حکومت‌های استبدادی از نوع "دینی" آن، احتیاجی ندارید به گذشته‌های دور سفر کرده، به نمونه‌های قدیمی آن استاد جویسید! کشتن آزادی، ایجاد اختناق، به بند کشیدن انقلابی‌ترین فرزندان خلق ستندیده، ایران و قربانی کردن آنان در بارگاه سرمایه، نشانه‌های بارزی از وجود حکومت استبدادی از نوع "دینی" جدید آن است!

خیر آقای رئیس‌جمهور، شما قادر نخواهید بود - و زحمتکشان میهن ما نیز این را از شما نخواهند پذیرفت - که با بیان این اعتراضات به دامن خود را که به خون انسانهای شریف، به خون کارگران مبارز و زحمتکشی همانند رفیق حسن حسین پور تبریزی که یک عمر علیه رژیم خفقان سلطنتی و امپریالیسم حامی آن رزمیده بود، تده‌آلوده است، پاک و منزه قلمداد کنید! برای مردم انقلابی ایران تردیدی نیست که این اعتراضات به منظور سرپوش‌گذاشتن بر سرکوب قانون شکنانه و عهد شکنانه دگران‌دیشان مدافع انقلاب و نیروهای مردمی و ضد امپریالیستی است.

سیاست وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی ایران در خدمت تروریست‌های اقتصادی

فشار گرانی و کمبود کالاها، اساسی مورد نیاز توده مردم و افزایش سرسام آور هزینه‌های زندگی بر دوش زحمتکشان میهن ما و آشکار شدن غارت روز افزون توده مردم توسط سرمایه‌داران "حلال" بجای اجرای مصراحت قانون اساسی بجدی است که آثار آن در مجلس شورای اسلامی نیز بازتاب یافته است. این بازتاب موجب شده است که در هفته‌های اخیر بحث‌های پیاپی در جلسات متعدد مجلس، پیرامون آن صورت گیرد.

هرچند راه حل مشخص و عملی که منافح زحمتکشان و توده‌های محروم جامعه را در نظر گیرد، ارائه داده نشده، لیکن نفس وجود چنین بحث‌هایی دال بر بحران عمیق حاکم بر جامعه است.

آقای وزیر بازرگانی - که در ارادت خالصانه ایشان به سرمایه‌کسی شک و تردیدی ندارد - در جواب سؤال یکی از نمایندگان مجلس مبنی بر اینکه آیا اصولاً وزارت بازرگانی وظیفه اصلی دولت الگوی مصرفی برای واردات دارد یا خیر، بلا جواب منفی خود، در واقع وجود الگوی سرمایه‌داری تجاری وابسته را تأیید می‌کند. سؤال کننده همچنین قصد داشته بداند که آیا در تنظیم سیاست وارداتی، قانون اساسی مآخذ و پایه است یا خیر؟ آقای وزیر به این سؤال نه‌سز پاسخ منفی می‌دهد.

وضع بگونه‌ای است که حتی طرفداران صادق سیاست "دولت تاجر خوبی نیست" نیز مسئولین وزارت بازرگانی را مورد بازخواست قرار میدهند.

آقای وزیر بازرگانی باشم تیز طبقاتی خود، دقیقاً واقف است که طرح این قبیل سوالات از جانب کسانی که به نظام لجام گسیخته و غارتگری که بر توزیع کالا در سطح جامعه ایران حاکم است، معتقدند جهت یافتن راه حل به نفع زحمتکشان و ارائه طریق انقلابی نیست پاسخ می‌دهد:

"این سؤال‌ها، محاسبت شریک لشکرک است، و شما به عنوان یک شریک پشت میکروفون از من شریک در نظام (تأکید از ماست) میخواهید بیایم توضیح بدهم."

یعنی بزبان ساده‌تر: آقا ما همه شریک بوجود آمدن این نظام - نظامی که در آن یک نفر در عرض لحال به اندازه ۴۰ سال سود می‌برد - هستیم و همه با هم از آن سهم می‌بریم، و اینک شما از من بعنوان شریک خود حساب میخواهید!

پاسخ بجایی است. طرح سوالات اینچنانی در مجلسی که اعتبار نامه پورا استاد و خاموشی، دو تروریست بزرگ اقتصادی را که صدها مورد تخلف و جرم دارند تصویب می‌کند، بیجا است.

اگر قرار باشد به این قبیل سوالات پاسخ‌هایی داده شود، اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی که هر چند گاهی طرح‌ها و لوایح باب طبع کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران را از تصویب مجلس میگردانند، بایستی پاسخ دهند.

مجلسی که نمایندگانش را کسانی چون خاموشی‌ها و پورا استادها تشکیل میدهند، دیگر توان آن را ندارد که درد توده محروم و زحمتکش ایران را علاج کرده، بارگران کمبود و گرانی را از دوش آنان بردارد.

از نظامی که مجریان سیاست توزیع مایحتاج عمومی آن - نه به بیان منتقدین دگران‌دیش، بلکه کسانی که "انتقاد منصفانه" می‌کنند - همان تاجرین و سرمایه‌داران بزرگ انحصارگر بازار هستند، سرنوشتی بهتر از این نمی‌توان انتظار داشت. گرچه مدامی از نمایندگان مجلس هنوز در پی تحقق اهداف انقلاب هستند، لیکن تلاش برای ایجاد جو پارلمانی بورژوازی از نوع "شرعی" آن، فریبی بیش نیست.

قانون کار باید با حقوق کارگران و قانون اساسی منطبق باشد

اعتراضات وسیع کارگران به پیش‌نویس قانون کار و طرح خواست‌های زحمتکشان از طریق شوراها و سندیکاها، کارگران برای تدوین قانون کار انقلابی بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و انعکاس این خواست‌ها در سطح جامعه، مدتهاست که پیش‌نویس قانون ضد کارگری توکلی و شرکا، و دست‌اندرکاران تهیه آن را به افراد و انزوا در میان طبقه کارگرسایر زحمتکشان محکوم نموده است. لیکن خط‌مضد کارگری درون دولت در پی تحکیم هرچه بیشتر راستگرایان در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد به نفس "بیشتری بدست آوردن و تلاش می‌کند این پیش‌نویس ضد کارگری را به طبقه کارگر و سایر زحمتکشان تحمیل کند.

طبقه کارگر ایران که شرکت وسیع و همه جانبه‌اش در جنبش خلق منجر به پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ گردید، حرف خود را زده است و آن اینکه: طرح پیش‌نویس قانون کار توکلی و شرکا، بطور کلی ضد منافع طبقه کارگر ایران بوده و با روح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مغایر است و بهیچوجه قابل اصلاح نیست؛ لذا باید طرح پیش‌نویس جدید بر اساس منافع کارگران و با مشارکت خود آنان تهیه و تنظیم گردد. در ضدیت با این خواست بحق و انقلابی وزیر کار و همفکرانش به "اصلاحات" در این سند بردگی کارگران مشغول هستند که تازه‌ترین ثمره آن در جلسه کمیسیون ۸ نفره هیئت دولت بیار آمده است:

"یک بخش به قانون کار اضافه شده که در خصوص رابطه کار و سرمایه‌است. در قانون کار قبلی رابطه کار و سرمایه اجاره و سیستم مزدگیری بوده در حال حاضر سیستم سهم‌بری نیز به آن اضافه شده است که این سیستم در بخش صنعت از باب صلح و جعاله، در کشاورزی از مزارعه و مساقات و در تجارت از مضاربه بهره گرفته شده است."

(کیهان ۲۱ خرداد ۱۳۱۲)

اینست معنی "اصلاحات" معرفی سیستم سهم‌بری "شاهانه" که بحد کافی رسوا است - به عنوان محصول "اصلاحات" چیز نیست جز بازگشت تنگین به نظام شاهنشاهی بدون شاه. آقای وزیر کار و خط مدافع او به عبت می‌کوشند تا تحکیم روابط استعماری با اشکال متنوع و بعضاً قدیمی و متحجر آن را به عنوان اصلاحات واقعی در قانون کار قلمداد کنند.

اعتراض کارگران به پیش‌نویس قانون کار وزیر ضد کارگری جمهوری اسلامی ایران، نه‌بند انجبت است که این قانون منطبق با "شرع" اسلام آقای وزیر کار و همفکرانش نمی‌باشد، بلکه کارگران و زحمتکشان میهن ما درک کرده‌اند که این پیش‌نویس تماماً در خدمت سرمایه بوده، به شدیدترین نحوی قانون اساسی را زیر پا گذاشته، کارگران را تحت توجه‌های "اسلامی" به بردگان بی‌اراده‌ای، بدل می‌سازد. پیش‌نویس قانون کار ضد کارگری، کارگران را مجبور می‌کند تا به شرایطی ظالمانه تر از شرایط دوران طاغوت تن در دهند.

گسترش همبستگی بین المللی...

بقیه از صفحه ۵

زد هاند که حتی رژیم خونخوار شاه نیز، در عرض بیست و پنج سال سیاهچال و شکنجه و عذاب نتوانست نظیر آنرا ارائه دهد.

ما از دولت ایران میخواهیم که با اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران، جهت معاینه زندانیان و بررسی انواع شکنجه های جسمی و روانی که در اثر اعدام های آن توانسته اند این "اقرار" را کسب کنند، موافقت کند. ما بنام کلیه دمکراتهای جمهوری آلمان فدرال که سرنگونی رژیم شاه و پیروزی انقلاب ایران را بگری استقبالی و در حد امکان از آن حمایت نمود هاند، نگرانی خود را در مورد از دست رفتن دستاورد های مردمی این انقلاب اعلام میداریم و در این رابطه است که آزادی رهبران و اعضای حزب توده ایران و نیز کلیه مبارزین راه استقلال و آزادی در این سرزمین را مصرا خواستاریم.

در زیر اسامی برخی از شخصیت های برجسته آلمان فدرال که نامه فوق را امضاء کرده اند، می آوریم:

- ر. هرکر، رئیس سندیکای علم و تربیت، به همراه ۱۴ تن دیگر از فعالین این سندیکای.
- دکتر استفان لندورف، مسئول حزب کمونیست آلمان در کلن.
- والتر مالتز کرن و امیل پلومپ، دبیران سندیکای فلزکاری کلن.
- پرفسور بنیارد، استاد دانشگاه کلن.
- کارل شلیبر، به نمایندگی از طرف اتحادیه ضد فاشیستهای آلمان - کلن.
- نوربرت مایتر، از طرف سندیکای راه آهن آلمان در کلن.
- توماس بریدن، صدر انجمن صلح برای مخالفین با جنگ.
- آخیم شولتز، صدر سوسیالیستهای دمکرات کلن.
- پرفسور والتر فابیان، استاد دانشگاه کلن.
- خانم آنا ماریا فابیان، نویسنده.
- سازمان شهر - وند ان کلن، هواداران حزب سوسیال دمکرات آلمان.
- یوخیم مارگارت، صدر سازمان جوانان کارگر سوسیالیست از استان راین لاندوست فالن.
- انجمن صلح مناطق برگیش و کلن باکلموند.
- سازمان دانشجویان خارجی دانشگاه کلن.
- انجمن مدارس شهر کلن.

• اتحادیه ویتنامیا در شهر آخن آلمان فدرال، در نامه های به مقامات مسئول ج ۱۰۱۰، نسبت به دستگیری و شکنجه مبارزین توده ای، جدا اعتراض نموده و خواستار اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان بایران، جهت ملاقات زندانیان و افشای شکنجه های اعمال شده برای افکار عمومی جهانی گردیده است.

• سازمانهای پیشاهنگان سوسیالیست در شهرهای مختلف آلمان فدرال، ضمن ارسال نامه های اعتراضی به سفارت ج ۱۰۱۰، بر علیه

شکنجه های وحشیانه وارده به مبارزین توده ای و غیر قانونی نمودن حزب توده ایران - ایدان، شدیدا اعتراض نموده و خاطر نشان ساخته اند که اعمال تزییفات بر علیه میهن پرستانی که همه چیز، حتی جان خود را بر سر مبارزه بخاطر سر تحقق حقوق زحمتکشان گذارد هاند، انقلاب ایران را به سرانسیب سقوط می کشاند.

• سازمان جوانان سوسیال دمکرات آلمان در شهر آخن در جلسه عمومی خود، در تاریخ ۱۳ ماه مه، بیانیه ای بمناسبت دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران صادر نموده که در آن پس از اشاره به پشتیبانی این سازمان از خواستهای بحق زحمتکشان ایران و بویژه کارگران و دهقانان و عدم اجرای اصلاحات بنفع آنان و در نتیجه خطر از دست رفتن دستاورد های انقلابی جنبش مردمی، به کمیسر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع، اعمال تزییفات در مورد حزب توده ایران و اعضای آن و نیز سایر نیروهای دمکرات و میهن پرستان ایران را شدیدا محکوم نموده با اعلام این مسأله که جان این زندانیان در خطر است، تنها راه نجات آنان را، رجوع به افکار عمومی بین المللی و بویژه جنبش کارگری جهانی میداند.

در پایان، از جمله رفع تزییفات از حزب توده ایران، آزادی بلاد رنگ کلیه اعضای آن، اعتراض علیه محاکمات نمایشی و دادگاههای سری، خواستار ترتیب دادگاههای علنی برای مبارزین زندانی، شرکت خبرنگاران بین المللی در آن و اعزام فوری هیأتی بی طرفی که بتواند از زندانیان دیدار و مانع ادامه شکنجه شود، مطرح شده است.

در بیانیه، بمنظور اجرای خواستهای فوق به ارگانهای مسئول ج ۱۰۱۰ و همزمان به افکار عمومی و رسانه های خبری آلمان فدرال مراجعه شده است.

• اتحادیه کارگران دمکرات کردستان در مونیخ، طی ارسال نامه ای به سفارت ج ۱۰۱۰ در برن، توطئه طرح شده بمنظور قتل عام مبارزین حزب توده ایران را فاش ساخته و نیرو های مترقی را به اقدام جهت خنثی نمودن این نقشه و نجات جان این مبارزین دعوت مینماید.

محافل دمکراتیک سوئد بخاطر نجات جان زندانیان توده ای تلاش می کنند

حزب چپ کمونیست های سوئد، طی انتشار بیانیه ای، انزجار خود را نسبت به اعمال وحشیانه کارگزاران رژیم ج ۱۰۱۰ در مورد زندانیان

توده ای که مغایر با موازین حقوق بشر و ناقص منشورهای بین المللی است، بیان می کند. دریغ از جمله آمده است:

"تعهدات رهبران این رژیم، در مورد حفظ و تعمیق انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران، دروغ محض است. دولت کنونی ایران نیز، همچون رژیم شاه، افراد مترقی را تحت پیگرد قرار میدهد نحوه کسب "اقرار" از رهبران حزب توده ایران که از تلویزیون پخش شد و نشان دهنده شکنجه های وحشتناک وارده بر این مبارزین می باشد، مغایر با عدالت قضایی است و احکام اعدامی که رژیم قصد اجرای آنرا در مورد رهبران حزب دارد، جنایتی هولناک است.

• ما خواستار پایان تزییفات و فشار علیه این مبارزین هستیم، به صلب سرخ بین المللی بایستی اجازه بررسی وضع زندانیان و چونگی رفتار با آنان، داده شود.

• ما خواستار آزادی فعالیت برای احزاب و سازمانهای سیاسی می باشیم.

• ما از رژیم حاکم ایران می طلبیم که موازین حقوق بشر و آزادیهای دمکراتیک را رعایت نماید.

• ۱۲ تن از نمایندگان پارلمان سوئد، متعلق به احزاب مختلف، طی امضای بیانیه ای، به شدت بر علیه اقدامات سرکوبگرانه پیگرد و شکنجه دمکراتها و بویژه رهبران و اعضای حزب توده ایران اعتراض نموده و خاطر نشان ساخته اند که این اعمال دولت ج ۱۰۱۰ مغایر با منشور سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر و موازین انسانی است و خواستار پایان دادن به تزییفات در مورد فعالیت های سیاسی، شکنجه زندانیان و آزادی آنان گردیده اند.

امضاء کنندگان متعلق به حزب مردم، حزب میانه رو، حزب مرکز، حزب کمونیستهای چپ و حزب سوسیال دمکرات سوئد هستند و تنی چند از آنان، از نظر جهانی معروفیت دارند.

• دبیرخانه بخش سوئدی کمیسیون بین المللی حقوقدانان، در تاریخ هشتم ژوئن بیانیه ای در رابطه با نمایش تلویزیونی "اقرار" رهبران حزب توده ایران، انتشار داده و ضمن تاکید بر این مسأله که این صحنه سازیهانزیر فشار شکنجه استعمال دارو بوده است، این اعمال را که مخالف کلیه موازین حقوقی و انسانی بین المللی است، شدیدا محکوم کرده و تصریح نموده که اعمال این روش آنچنان وحشتناک و آنقدر موهن نسبت به شخصیت انسانی است که باید با تمام قوا، از تکرار آن، در هر نقطه جهان جلوگیری کرد. بیانیه پس از شرحی در مورد گرد هم آیی پزشکان، حقوقدانان و شخصیت های سیاسی و خبرنگاران بین المللی در تاریخ بیست و یکم ماه مه در دوسلدورف، خواستهای کمیته دفاع از زندانیان توده ای و بویژه اعزام هیأتی بایران، جهت بررسی شکنجه های وارده به این مبارزین، تاکید ورزیده است.

بقیه در صفحه ۱۵

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

گسترش همبستگی بین المللی...

بقیه از صفحه ۱۴

● برگزاری جلسه بین المللی بیست و یکم ماه مه در دوسلدورف و تشکیل کمیته دفاع از زندانیان سیاسی و یدنیال آن، برگزاری کنفرانس مطبوعاتی در پایتختهای کشورهای اروپایی و آمریکا، توجه محافل مرفقی بین المللی و مطبوعات را بخود جلب کرده است.

روزنامه آفتون بلادت، پرتیژترین روزنامه سوسیال دمکراسی سوئد، در شماره ۹ ژوئن، طی مقاله ای با عنوان "آقاریس تحت تأثیر دارو" ضمن چاپ عکسی از رفیق نورالدین کیانوری، که از روی نوار ویدئویی "آقاریس" گرفته شده، به تشریح چگونگی "آقاریس" گیری از رهبران حزب توده ایران پرداخته است. در مقاله، از جمله صحنه "مناظره تلویزیونی رفیق کیانوری و آیتاله بهشتی، با صحنه "اعترافات" تلویزیونی رفیق مقایسه شده و چنین آمده است:

"کیانوری در صحنه "مناظره تلویزیونی با آیتاله بهشتی، سرزنده است. دستها را تکان میدهد. بطور واضح صحبت می کند و لب هایش تکان می خورد، ولی در نوار تلویزیونی "اعترافات"، او بسختی سخن میگوید، دهانش کج است، چشمان وی تکان نمی خورد و در بخش عمده فیلم با سرافتاده صحبت می کند، و بزق دهان برگوشه لبانش جمع میشود. در یک لحظه چشمان وی به سمت بالا متغییل می شود، دوربین فورا بطرف نوشته های روی دیوار متوجه میگردد. در طول این مدت، آب دهان وی را پاک میکنند. این حالت در دیگر "اعترافات کنندگان" نیز مشاهده میشود."

در بخش دیگری از مقاله، از قول نیلزدریسک آندن، پرفسور داروشناسی دانشگاه اویسالا آمده است:

"با اعتقاد من، برای کسب این "آقاریس"، از انواع داروهای خواب آور استفاده شده است. داروهای خواب آوری وجود دارند که قوه حافظه را مختل می کنند. قربانی ضعیف و ناتوان می شود و در حالتی شبیه افرادیکه تحت تأثیر مشروبات الکلی قرار دارند، حاضر به صحبت میشود."

در پایان مقاله، مسأله نگرانی در مورد سر نوشت رهبران حزب توده ایران، وخواست "کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده ای"، در مورد اعزام هیأت ناظری بایران، مطرح شده است.

● روزنامه "نورشنس فلامان"، ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد نیز، در تاریخ ۴ ژوئن، ضمن چاپ گزارش کنفرانس مطبوعاتی در استکهلم نظر پزشکان و متخصصین داروشناسی رادر مورد "آقاریس" تلویزیونی بیان نموده و پس از شرح اقدامات انجام شده از سوی "کمیته بین المللی دفاع از زندانیان توده ای"، خواستهای این کمیته، از جمله اعزام هیأت ناظر بایران، جهت بازدید از زندانیان و تشکیل دادگاههای علنی

خواست گردیده بود، از اینکه مقامات ایرانی، هنوز پاسخی به این درخواست نداده اند، ابراز تأسف نموده و خواستار روشن نمودن وضوح کمسیون که آماده حرکت بایران است، شده است.

● روزنامه فولکس شتیسه، ارگان حزب کمونیست اطریش، بتاريخ پنجم ژوئن جاری (پانزدهم خرداد ماه)، ضمن چاپ بیانیه "کمیته پسران مرزی حزب توده ایران"، درباره جنایات اعمال شده در مورد رهبران و اعضای حزب توده ایران و فراخوان "کمیته" جهت تشکیل جبهه متحد خلق برای نجات انقلاب ایران و تشریح مسأله "اعترافات" تلویزیونی، همچنین اقدام پنجپا نامه سرگشاده "حزب کمونیست اطریش" نموده است که به سفارت ایران در وین ارسال و در مطبوعات مرفقی اطریش منعکس شده است. در این اعتراضیه، نگرانی عمیق کمونیستهای اطریش از شکنجه های وحشیانه اعمال شده در مورد رهبران و اعضای حزب توده ایران و اقدامات راستگرایان در پسه ناپودی کشاندن انقلاب ایران، مطرح و در پایان از مسئولین سفارت صدور ویزای ورود به ایران جهت دیدار از زندانیان بریسه کمیسونی مرکب از پزشکان، حقوقدانان و معلمین خواستار گردیده است.

● روزنامه "نورشنس فلامان"، در تاریخ ۱۸ ماه مه، نامه "جان تاکنم"، در مورد شکنجه های وارده به رهبران حزب توده ایران و "آقاریس" تلویزیونی، چاپ رسانیده است.

جان تاکنم محقق و متخصص معروف سوئدی در امور داروئی است، که از جمله به تحقیقات وسیعی در مورد از بین بردن نوع انسان در ویتنام دست زده و در زمان جنگ، پارها باین کشور سفر کرده و کتابی بنام "ناپالم" در این مورد منتشر ساخته است.

انتشار خبر شکنجه رهبران حزب توده ایران و مشاهده فیلم "آقاریس" تلویزیونی آنان، وی را بر آن داشته که به نگارش این نامه اقدام نماید.

جان تاکنم، در این نامه از جمله به شرح موارد مشابهی از استعمال داروها بمنظور کسب "اعترافات" از مبارزین سیاسی زندانی در ویتنام و عواقب ناشی از آن، به خصوص حالتهای انسداد، پس از استعمال و یا تزریق دارو پرداخته مینویسد:

"این روش شکنجه، باعث آنکه قربانی را به بیماری روانی غیر علاج میدل میسازد، از شکنجه سادستی نیز بیرحمانه تر است. تحت تأثیر داروهای مخدر حافظه را مختل میسازند، و در قربانی حالت سرگیجه ای ناشی از اینکه چه چیز را "افشاء" و یا از گفتنش خودداری کرده بوجود می آورند. این امکان حتی در مورد آگاه ترین افراد نیز که قربانی این متد شکنجه میگردد وجود دارد. بدیهی است که شکنجه گران در ایران، از هرگونه وسیله شکنجه ای جهت آزار مبارزین در بند تودمی و شیوه های "آقاریس" گیری استفاده نمودند."

جان تاکنم، در پایان نامه، مردم شرقی سوئد را دعوت با اعتراض علیه این جنایات در ایران، بمنظور کوتاه کردن دستان شکنجه گران جلاده، نموده است.

● روزنامه "نورشنس فلامان"، در تاریخ ۱۸ ماه مه، نامه "جان تاکنم"، در مورد شکنجه های وارده به رهبران حزب توده ایران و "آقاریس" تلویزیونی، چاپ رسانیده است.

جان تاکنم محقق و متخصص معروف سوئدی در امور داروئی است، که از جمله به تحقیقات وسیعی در مورد از بین بردن نوع انسان در ویتنام دست زده و در زمان جنگ، پارها باین کشور سفر کرده و کتابی بنام "ناپالم" در این مورد منتشر ساخته است.

انتشار خبر شکنجه رهبران حزب توده ایران و مشاهده فیلم "آقاریس" تلویزیونی آنان، وی را بر آن داشته که به نگارش این نامه اقدام نماید.

جان تاکنم، در این نامه از جمله به شرح موارد مشابهی از استعمال داروها بمنظور کسب "اعترافات" از مبارزین سیاسی زندانی در ویتنام و عواقب ناشی از آن، به خصوص حالتهای انسداد، پس از استعمال و یا تزریق دارو پرداخته مینویسد:

"این روش شکنجه، باعث آنکه قربانی را به بیماری روانی غیر علاج میدل میسازد، از شکنجه سادستی نیز بیرحمانه تر است. تحت تأثیر داروهای مخدر حافظه را مختل میسازند، و در قربانی حالت سرگیجه ای ناشی از اینکه چه چیز را "افشاء" و یا از گفتنش خودداری کرده بوجود می آورند. این امکان حتی در مورد آگاه ترین افراد نیز که قربانی این متد شکنجه میگردد وجود دارد. بدیهی است که شکنجه گران در ایران، از هرگونه وسیله شکنجه ای جهت آزار مبارزین در بند تودمی و شیوه های "آقاریس" گیری استفاده نمودند."

جان تاکنم، در پایان نامه، مردم شرقی سوئد را دعوت با اعتراض علیه این جنایات در ایران، بمنظور کوتاه کردن دستان شکنجه گران جلاده، نموده است.

دمکراتهای اطریش، نگران جان زندانیان توده ای هستند

هندوستان

کنگره سندیکاهای سراسر هندوستان ضمن ابراز نگرانی عمیق از یازداشت دسته جمعی فعالین و اعضای حزب توده ایران، در اعلامیه ای که روز شنبه ۱۴ ماه مه در دهللی منتشر بقیه در صفحه ۱۱



پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در اواسط هفته گذشته پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو برگزار شد. این جلسه که توسط یوری آندروف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی افتتاح شد به بررسی مسائل ایدئولوژیک اختصاص داشت. گزارش هیئت سیاسی درباره "مسائل موجود کار ایدئولوژیک و توده‌های سیاسی حزب" راکنستانین چرننکو، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی به پلنوم ارائه کرد. وی در اظهارات خود خاطر نشان ساخت که در جهان امروز مبارزهای حاد و حقیقتاً جهانی میان دو ایدئولوژی در جریان است. اوضاع جهان پشدت وخیم شده است. ایالات متحده آمریکا و متحدانش در ناتو سمت گیری خطرناکی را دنبال میکنند که خصلت طبقاتی آن روشن است. چنانکه در گزارش آمده است این سمت گیری عبارت است از متوقف ساختن تحولات دمکراتیک در زندگی بشریت و بازپس گیری مواضع از دست رفته.

امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم آمریکا که در سالهای ۶۰ و ۷۰ با شکستهای سنگینی در صحنه بین‌المللی مواجه شده، حملات پی‌درپی و در وسعت خود بی‌سابقه‌ای را علیه نظام سوسیالیستی و ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی آغاز کرده است.

امپریالیسم می‌کوشد تا اذهان شهروندان اتحاد شوروی را مسموم ساخته، اهداف سیاست خارجی آنرا درگون جلوه داده و از نفوذ فزاینده سوسیالیسم واقعی - این مهمترین پایگاه صلح و آزادی خلق‌ها جلوگیری کند. دشمن طبقاتی قصد خود مبنی بر نابودی نظام سوسیالیستی را بسی پرده اعلام می‌کند.

ریگان (امپریالیسم جهانی و متحدان آن) را به جنگ صلیبی علیه کمونیسم فراخوانده است. امپریالیسم "جنگ روانی" را یکی از شیوه‌های اصلی برای رسیدن به این هدف می‌شمارد، این جنگ در غرب بسا لحن وهیستری شدیدی ضد شوروی و ضد کمونیستی دنبال می‌شود.

چرننکو در گزارش خود اظهار داشت که اتحاد شوروی با تهاجم اطلاعاتی و تبلیغاتی مواجه است و کانالهای تلویزیون و رادیو پیسه وسائلی برای مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و انجام عملیات خرابکارانه بدل شده‌اند. وی گفت ما هیچ دلیلی نداریم که حتی در یک نکته اصولی در مواضع دفاعی قرار بگیریم. وی تأکید کرد که تبلیغات خارجی باید با مهارت بیشتری برتری‌های سوسیالیسم را نشان دهد تا بتواند به

اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی

آندره گرومنکو: اتحاد شوروی خواهان برقراری روابط دوستانه با ایران است

اجلاس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در اواخر هفته گذشته در مسکو برگزار شد. در این اجلاس یوری آندروف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مقام صدر هیئت رئیسه این شورا برگزیده شد.

اجلاس شورا به بررسی قانون جدیدی درباره اختیارات کلکتیوهای کار نیز اختصاص داشت که پس از بحث و تبادل نظر به تصویب رسید. قبلاً ۱۱۰ میلیون نفر از شهروندان اتحاد شوروی طی نامه و به طرق دیگر در بحث پیرامون این قانون شرکت جسته بودند. یکسری قوانین دیگر داخلی نیز مورد بررسی اجلاس قرار گرفت. از مهمترین مسائلی که این اجلاس مورد بررسی قرار داد، گزارش موجهر آندره گرومنکو، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی بود. وی در گزارش خود اوضاع متشنج بین‌المللی را مورد بررسی قسبار داده، امپریالیسم آمریکا و کشورهای سرمایه‌داری غرب را عامل افزایش تشنجات و تشدید مسابقه تسلیحاتی خواند. وی سطح روابط اتحاد شوروی با کشورهای مختلف جهان را مورد بررسی قرار داده و تأکید کرد که اتحاد شوروی همواره خواهان برقراری روابط برابر حقوق و بر پایه همزیستی مسالمت آمیز با تمام کشورهای جهان

است. وی در قسمت پایانی سخنرانی مهم خود اظهار داشت: "تأمین صلح پایدار در جهان و دفاع از حق استقلال و پیشرفت اجتماعی خلقها چنانکه رفیق آندروف اظهار داشته است اهداف تغییرناپذیر سیاست خارجی ما را تشکیل میدهند. رهبری اتحاد شوروی برای رسیدن به این اهداف پیگیرانه و با پیروی از اصول و برنامه‌های فراوان عمل خواهد کرد."

صرف نظر از نظام اجتماعی آنها بوده است. وی در رابطه با جنگ میان عراق و ایران اظهار داشت که ادامه این جنگ بیپایان است و هرکس که علیه پایان آن تبلیغات راه اندازد از عقل کافی برخوردار نیست. ادامه آن تنها بسود کشورهای امپریالیستی است.

وی در رابطه با روابط میان اتحاد شوروی و ایران تأکید کرد که ما خواهان برقراری روابط عادی با ایران هستیم، اتحاد شوروی خواهان آن است که ایران استقلال خود را حفظ کند. ما همواره در تلاشیم تا روابط حسن همجواری با این کشور برقرار سازیم. اما متأسفانه افعال اخیر دولت ایران در رابطه با گروهی از کارمندان موسسات اتحاد شوروی در ایران، به توسعه این روابط کمک نمی‌کند، ما منتظر خواهیم ماند که آیا ایران به این میل ما جواب لازم را مبنی بر برقراری روابط عادی خواهد داد یا دنبال افکار معینستی است.

ارتجاع عربستان قربانی می‌گردد

با کمال تأسف اطلاع حاصل کردیم که رفیق خالد عبدالکریم الناجی عضو اتحادیه دمکراتیک جوانان عربستان سعودی، در نتیجه شکنجه وحشیانه توسط رژیم ارتجاعی سعودی، به شهادت رسیده است.

این عمل جنایتکارانه که بخشی از جنگ صلیبی امپریالیستی علیه کمونیستها و دیگر نیروهای دمکراتیک در منطقه را تشکیل میدهد، تنها باعث تقویت و استحکام اراده و همبستگی ما در مبارزه علیه امپریالیسم و ایادی منطقه‌ای آن میباشد. بگذار تا خون رفیق خالد عبدالکریم و دیگر شهدای قهرمان راهگشای استقلال آزادی و عدالت اجتماعی در عربستان سعودی باشد.

"راه توده"

رفع سد پیش‌دازری‌های ضد سوسیالیستی موجود که محافل حاکم در غرب افکار مردم را با آن مشغول کرده‌اند کمک کند.

یوری آندروف، در روز پایانی پلنوم پرداختن به مسائل ایدئولوژیک موجود و وظایف سازمانهای حزبی در این رابطه مسئله تغییر قسمت‌هایی از برنامه قبلی و تدوین برنامه جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی را مورد بررسی قرار داده و گفت که ضروریات روز چنانکه در ۲۶مین کنگره حزب ذکر شده، این مسئله را ایجاب می‌کند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در بادووا (ایتالیا)

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

پیمان ۲۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 47
Friday, 24 June 83

Address: Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 6000 Frankfurt 90

Price:

West-Germany	1 DM	England	30 P.
France	3 Fr.	Belgium	22 Fr.
Austria	8 Sch.	Italy	60 L.
		U.S.A.	40 Cts.
		Sch. Sweden	3 Skr.